

بررسی و تحلیل رابطه مدیریت شهری و توسعه پایدار در بافت‌های تاریخی: مطالعه موردی بافت تاریخی شیراز با تأکید بر ارائه مدلی کاربردی و همساز با فرهنگ و شرایط محیطی

مهدی پزشکی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

مجید ولی شریعت پناهی^۱

دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴

چکیده

توسعه پایدار به‌کارگیری فناوری‌های منطبق با محیط زیست و بدون آلودگی از مهم‌ترین روش‌ها است. بازسازی و توسعه بافت‌های تاریخی به جامعه محلی کمک می‌کند تا نگاهی مثبت به توسعه اقتصادی خودشان داشته باشند. بافت‌های قدیمی به عنوان بخش‌های مهمی از شهر نشان دهنده هویت شهرند. بافت‌های کهن و مجموعه‌های تاریخی در یک شهر بر پایه ارتباط و پیوندی منطقی خلق شده‌اند که این از خصوصیات معماری سنتی ایران است. هدف اصلی این مقاله عبارت است از بررسی و تحلیل مدیریت شهری بافت‌های تاریخی شهرهای ایران به ویژه بافت تاریخی شهر شیراز با توجه به شرایط فرهنگی و محیطی آن‌ها در راستای توسعه پایدار. بافت تاریخی شهرها و به ویژه شهر شیراز از اهمیت فراوانی برخوردار است به نحوی که می‌توان گفت هویت شیراز و یلاهای اطراف شیراز نیست بلکه بافت قدیم و تاریخی آن است؛ بنابراین مدیریت شهری و توسعه پایدار بافت تاریخی شهر از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. با توجه به این مقدمه سؤالی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که با توجه به شرایط فرهنگی و محیطی بافت‌های تاریخی شهرها ایران و به ویژه شهر شیراز مدیریت شهری بافت‌های تاریخی شهرها بایستی چگونه انجام شود که توسعه پایدار همساز با فرهنگ و شرایط محیطی را به وجود آورد؟ نتایج این مقاله نشان می‌دهد که با توجه به ویژگی‌های بافت تاریخی از جمله وجود فضاها و عناصر دارای ارزش در کنار و تقابل با فضاها و عناصر فاقد ارزش که افت کیفیت بافت، افزایش فرسودگی و ناکارآمدی را بر بافت تحمیل کرده‌اند، وضعیت ناپایداری را در ابعاد گوناگون در بافت‌های مذکور باعث شده‌اند. از این رو چنانچه مدیریت بافت تاریخی با استفاده بهینه از ارکان خود بتواند در جهت ساماندهی فضاها و عناصر داخل بافت اقدام کند و ویژگی‌های دارای ارزش را برجسته نماید، به فرآیند پایداری محله‌ای و اهداف شهر پایدار کمک می‌کند. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. روش جمع‌آوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و نیز استفاده از مقالات علمی-پژوهشی است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری و استفاده از جداول و نمودارها و نیز نقشه‌ها است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری و استفاده از جداول و نمودارها و نیز نقشه‌ها است.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، توسعه پایدار، بافت‌های تاریخی، بافت تاریخی شیراز.

مقدمه

امروزه به دلیل گسترش بی‌رویه‌ی شهرنشینی و توسعه‌ی فیزیکی شهرها، کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران با مشکلاتی از قبیل آلودگی زیست محیطی، عرضه‌ی نامناسب مسکن، کمبود اشتغال، فقر شهری و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و... روبه‌رو هستند. مفهوم مدیریت شهری اولین بار زمانی مورد توجه واقع گردید که در سال ۱۹۷۹ میلادی در کنار مفاهیم دیگری چون توسعه پایدار شهری و پروژه شهر سالم در دستور کار یکی از برنامه‌های توسعه سازمان ملل با عنوان برنامه مدیریت شهری قرار گرفت. مطرح شدن چنین مفهوم و اصطلاحی از مدیریت در قالب مدیریت شهری ناشی از حرکت شیوه مدیریت متمرکز به سمت مدیریت غیرمتمرکز در چارچوب مدیریت‌های محلی‌تر با هدف توسعه شهری به‌وسیله سازمان‌های محلی است.

بانک جهانی از سال ۱۹۷۰ میلادی با انجام ۲۴۱ پروژه، سرمایه‌گذاری چهار میلیارد دلاری روی نوسازی و توسعه شهرهای تاریخی انجام داده که در حال حاضر ۱۱۷ پروژه در حال اجرا است و نیمی از این سرمایه به آن‌ها اختصاص داده شده است. تقویت روساخت‌های شهری، حفاظت از نمادهای اصلی میراث فرهنگی، ایجاد اشتغال و توسعه همه‌جانبه جوامع محلی از مهم‌ترین برنامه‌های توسعه بافت‌های تاریخی به شمار می‌آیند. از نمونه‌ها می‌توان به پروژه احیا و توسعه شهر تاریخی فز در مراکش^۱، حفظ و توسعه میراث طبیعی و فرهنگی شهر گویژو^۲ چین و پروژه توسعه شهری، گردشگری و میراث فرهنگی اردن اشاره کرد.

بافت تاریخی شهر شیراز ۳۵۰ هکتار وسعت دارد و شامل یازده محله است. هسته‌ی خیلی تاریخی‌ای که از آن باقی مانده، مسجد جامع است که به دوره‌ی صفاریان مربوط می‌شود. این سابقه همچنان ادامه دارد تا این که به دوره‌ی کریم‌خان زند و بعد هم قاجاریه می‌رسد؛ اما اقدامات تخریبی در بافت تاریخی شیراز، فقط منحصر به روزها و ماه‌های اخیر نیست. بلکه مداخلات در این شهر تاریخی، از دهه‌های گذشته آغاز شده تا این که در حال حاضر کار به این مرحله رسیده است: اولین اتفاق و مداخله در دوره‌ی رضاشاه می‌افتد که با همان سیاست‌های توسعه‌ی شهری، دو خیابان را از میان این بافت عبور می‌دهند. یکی از آن‌ها خیابان زند وکیل و دیگری لطفعلی‌خان زند است. خیابان زند وکیل، بازار وکیل را دو قسمت می‌کند. به این ترتیب بازار وکیل و مجموعه ارگ در قسمت شمال و مسجد وکیل و حمام هم در جنوب آن واقع می‌شود. در دهه‌ی ۵۰ ش دانشگاه تهران طرح مرمت شهری بافت قدیمی شیراز را به سرپرستی دکتر محمد منصور فلامکی تهیه کرد: سیاست طراحی آنان این بوده که به آن یازده محله می‌پردازند و مراکزی برای این محلات توصیه و طراحی می‌کنند که شامل مجموعه فعالیت‌های محلی، با بخش پارکینگ و... بوده است. به این ترتیب با مرکز محله‌ها قصد داشتند که محلات و بافت را احیا کنند. این طرح البته هیچ وقت اجرا نمی‌شود. بعد از انقلاب، تهیه‌ی طرح جامع شیراز دچار وقفه‌ای طولانی شد. در اواخر دهه‌ی شصت مشاور شهرسازی نقش جهان پارس برای تهیه‌ی طرح‌های شهری شیراز انتخاب شد و به این ترتیب، در طرح‌های قبلی بازنگری صورت گرفت و برای احیای سکونت در محلات قدیمی شهر، راهکارهایی از جمله توسعه‌ی راسته‌های محلات پیشنهاد شد؛ اما در کنار توجه کارشناسی به احیای این محور، اقدامات دیگری نیز

¹. Fes is a northeastern Moroccan city

². Guizhou

از سوی نهادهای مختلفی صورت می‌گرفت که چندان نتیجه‌ی مثبتی به همراه نداشت: همان زمان اتفاق بدی که داشت می‌افتاد، این بود که مشاوره‌ی طرحی را تهیه کرده بود که بازار عظیمی پیرامون شاه‌چراغ با سازه‌ی بتون آرمه در دو طبقه اجرا می‌شد که یک سری سوابق تاریخی را که پشت شاه‌چراغ بود، عملاً نادیده می‌گرفت. این بازار به مسجد جامع هم به شکل خشنی پشت کرده بود و یک دیوار بتنی ۱۰-۱۲ متری درست در مقابل ورودی مسجد جامع ایجاد شده بود. به این ترتیب می‌توان فکر کرد که مداخله‌های بعد از انقلاب، مداخله‌های این‌چنینی است؛ یعنی بدون توجه به بازار و آن هسته‌ی تاریخی و طبیعتاً با پول سرمایه‌گذاری‌هایی که به‌ویژه از حمایت متولی‌های حرمین (شاه‌چراغ و آستانه) برخوردار است. طرحی نیز که توسط مشاور نقش جهان پارس تهیه شده بود، راهی به اجرا پیدا نکرد و بافت تاریخی شیراز مدام فرسوده‌تر و فرسوده‌تر شد و ساکنان اصلی و خانواده‌های قدیمی محلاتی مثل موردستان و درب شازده آن‌جا را آرام‌آرام ترک کردند؛ اما طرح دیگری که آسیب‌های جدیدی را به بافت تاریخی شیراز وارد کرد، در دهه‌ی ۷۰ و در زمان استانداری محمد جهرمی (وزیر کار در دولت نهم) و با موافقت و همراهی متولیان شاه‌چراغ تهیه شد: مداخله‌ی ناهنجار بعدی که اتفاق می‌افتد، طرحی است که هر دو حرم را به نحوی به هم وصل می‌کند. بعد از آن دوباره تلاش شد تا برای این قسمت طرحی تهیه شود؛ اما در عمل این بخش، یعنی محلات حد فاصل این دو زیارتگاه، به همان صورت مخروبه باقی ماند. بدون توجه به مسائل محتوایی این محلات و بدون اجرای طرح‌هایی که بتوانند در درجه‌ی اول زندگی را به این نقاط بازگرداند، هر طرح و هر هزینه‌ای بدون نتیجه باقی می‌ماند و مشکلی از مشکلات فراوان این بافت تاریخی را حل نمی‌کند. این اقدامات موضعی و ناکارآمد بودند. بافت تاریخی شهرها و به ویژه شهر شیراز از اهمیت فراوانی برخوردار است به نحوی که می‌توان گفت هویت شیراز ویلاهای اطراف شیراز نیست بلکه بافت قدیم و تاریخی آن است؛ بنابراین مدیریت شهری و توسعه پایدار بافت تاریخی شهر از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. با توجه به این مقدمه سؤالی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که با توجه به شرایط فرهنگی و محیطی بافت‌های تاریخی شهرها ایران و به ویژه شهر شیراز مدیریت شهری بافت‌های تاریخی شهرها بایستی چگونه انجام شود که توسعه پایدار همساز با فرهنگ و شرایط محیطی را به وجود آورد؟

رویکرد نظری

نگرش جامع به سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری و نیز تدوین اهداف یکپارچه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در رأس سیاست‌گذاری و مدیریت شهری قرار می‌گیرد. تحقق این اهداف، نیازمند ارزیابی نتایج تبعات سیستم‌های شهری برای تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی بوده و محتاج تحولات اساسی در سازمان و تشکیلات برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است. ایجاد تعادل بین مراکز شهری بزرگ و کوچک، همکاری بین بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی و نیز تدوین استراتژی محلی در زمره سیاست‌های نیل به مدیریت شهری، قابل تأمل هستند. شهرهای جهان از طریق تجربه و پژوهش مسیریایی را برای رویارویی با مشکلات توسعه شهری و محیط کشف و در طی این فرآیند، بینشی نیز نسبت به نحوه دستیابی به توسعه پایدار کسب کرده‌اند. بدین ترتیب رشته مدیریت شهری به دنبال تربیت متخصصانی است که بتوانند روش‌های حل معضلات امروزی شهرها را ارائه کند (شیعه، ۱۳۸۲: ۳۷). اصطلاح توسعه پایدار یا توسعه پایا اولین بار توسط باربارا

وارد در اعلامیه کوکویاک درباره محیط زیست و توسعه بکار رفت. به دنبال آن پس از گزارش‌های باشگاه رم و بنیاد هامرشولد به تدریج توسعه پایدار در طی سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی و از زمانی که اتحادیه بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی راهبردهای جهانی از محیط زیست و منابع طبیعی با هدف کلی دستیابی به توسعه پایدار را از طریق حفاظت از منابع حیاتی (زنده) را ارائه کرد، مورد توجه جدی و اساسی اندیشمندان و متفکران توسعه قرار گرفت (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵: ۷۶).

بافت تاریخی، منطقه تاریخی و یا منطقه میراث فرهنگی بخشی از یک شهر است که در آن ساختمان‌ها و بناها و آثار ارزشمند معماری و تاریخی وجود دارد. بافت تاریخی در برخی کشورها تحت حمایت قانونی قرار می‌گیرد و از آن محافظت می‌شود. بافت تاریخی شهر ممکن است با مرکز شهر منطبق باشد یا نباشد. همچنین ممکن است بافت تاریخی با بافت تجاری، بافت اداری یا بافت فرهنگی هنری شهر منطبق باشد یا این که از آن‌ها متمایز باشد (شهاب زاده، ۱۳۹۵: ۸۰). توسعه شهری به‌عنوان یک مفهوم فضایی را می‌توان به معنی تغییرات در کاربری زمین و سطوح تراکم جهت رفع نیازهای ساکنان شهری در زمینه مسکن حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا و غیره تعریف کرد یا توسعه‌ای است که تمام جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و ... را در شهر با هم پیش می‌برد و توسعه پایدار شهری نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و واردکردن کمترین ضایعات به منابع تجدید پذیر مطرح است. توسعه پایدار شهری موضوع‌های جلوگیری از آلودگی‌های محیط شهری و ناحیه‌ای، کاهش ظرفیت‌های تولید محیط محلی - ناحیه‌ای و ملی، حمایت بازبافت، عدم حمایت از توسعه‌های زیان‌آور و از بین بردن شکاف میان فقیر و غنی را مطرح می‌کند همچنین راه رسیده به این اهداف را با برنامه‌ریزی شهری و روستایی، ناحیه‌ای، ملی و حمایت همه جانبه دولت از این برنامه‌ریزی‌ها می‌داند (زیاری، ۱۳۸۲: ۱۷).

اندیشه توسعه شهری پایدار از جنبه‌های بسیار گسترده مطالعات در امور توسعه است. ارائه یک تعریف مشخص در این رابطه زیاد ساده نیست اما سعی می‌شود معنی توسعه شهری پایدار از بین مفاهیم - اصول - تاریخچه مطالعات کاربردی تشریح شود. اندیشه توسعه شهری پایدار تنها در ارتباط با تحولات تاریخی مطرح نمی‌شود بلکه در این رابطه توسعه خردمندانه علوم مختلف و دانش اجتماعی نیز مطرح است. توجه به تحولات باعث می‌شود حجم و کیفیت دانش موجود درباره محیط‌زیست شهری افزایش یابد از جمله علم شناسایی و رفع آلودگی هوا - گازهای گلخانه‌ای - تغییرات جهانی آب و هوا و موارد دیگری از این قبیل در این رابطه مطرح می‌شوند پیشرفت در زمینه علوم اجتماعی نیز با کمک دستور کارهای تحقیقی مختلف درباره توسعه پایدار صورت می‌گیرند آنچه ذکر شد نشان دهنده این است که بحث توسعه شهری تحت تأثیر مفاهیم و موضوعات مختلفی قرار گرفته و با علوم چون سیاست‌های اقتصادی و دانش تئوری و تجربی به مقابله برخاسته است و بعضی اوقات نیز با تحولات تاریخی شکل گرفته یا تغییر جهت داده است (نصیری، ۱۳۷۹: ۱۷).

نظریه توسعه پایدار شهری حاصل بحث‌های طرفداران محیط‌زیست درباره مسائل زیست‌محیطی بخصوص محیط‌زیست شهری است که به دنبال نظریه توسعه پایدار برای حمایت از منابع محیطی ارائه شد. در این نظریه موضوع نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد کردن کمترین ضایعات به منابع تجدید ناپذیر مطرح است. نظریه توسعه پایدار شهری موضوع‌های جلوگیری از آلودگی‌های محیط‌زیست شهری و

ناحیه‌ای- کاهش ظرفیت‌های تولید محیط محلی- ناحیه‌ای و ملی حمایت از بازیافت‌ها- عدم حمایت از توسعه زیان‌آور و از بین بردن شکاف میان فقیر و غنی را مطرح می‌کند. همچنین راه رسیدن به این اهداف را با برنامه‌ریزی اهمیت بسیاری می‌دهد و معتقد است دولت‌ها باید از محیط‌زیست شهری حمایت همه‌جانبه‌ای کنند. این نظریه پایداری شکل شهر- الگوی پایداری سکونت‌گاه‌ها- الگوی مؤثر حمل‌ونقل در زمینه مصرف سوخت و نیز شهر را در سلسله‌مراتب ناحیه شهری بررسی می‌کند؛ زیرا ایجاد شهر را فقط برای لذت شهرنشینان می‌داند (Scout, 2005: p.89).

در یک دید اجمالی مبنای نظری مفهوم پایداری در شهر و ناحیه شامل این موارد می‌شود: کاهش آلودگی، نگهداری منابع طبیعی، کاهش حجم ضایعات شهری، افزایش بازیافت‌ها، کاهش انرژی مصرفی، افزایش بیش از حد جانداران مفید در شهر و روستا با ایجاد جامعه جنگلی و درختان شهری و نواحی سبز، عدم تمرکز شهری و کاهش پراکندگی‌ها، افزایش تراکم متوسط در حومه‌های شهری و شهرهای کوچک، کاهش فواصل ارتباطی، ایجاد اشتغال محلی، توسعه متنوع مسکن در مراکز اشتغال، توسعه شهرهای کوچک برای کاهش اتکا به شهرهای بزرگ، ساختار اجتماع متعادل، حمل و نقل عمومی و کاهش ترافیک جاده‌ای، مدیریت ضایعات بازیافت نشدنی و تهیه غذای پایدار محلی. به این طریق اولاً با جایگزینی منابع و نوسازی آن‌ها اتخاذ سیاست کاربری صحیح محافظت از زمین بالا می‌رود ثانیاً با توجه به برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای و سامان‌دهی فضا توسعه پایدار شهری حاصل می‌شود.

در نتیجه‌گیری از این مکاتب می‌توان گفت آنچه از قرن ۱۹ تاکنون باعث به وجود آمدن آن‌ها شده بحران شهری است که آمایش و ساماندهی شهری را مشکل کرده است به طور کلی نظریه‌پردازان معتقدند که آمایش شهری موضوع یک علم دقیق نیست بلکه ترکیبی از علوم و در واقع بحثی میان رشته‌ای است زیرا انسان جمع‌اخذ و در نتیجه شهر هم جمع‌اخذ است در واقع ساخت‌ها مدیران این نظریه‌ها بوده‌اند اما اجرای این نظریه‌ها نه تنها مشکل شهر را حل نکرده بلکه بر آن افزوده است زیرا بیشتر این نظریه‌ها مخالف خواست انسان‌های زمان خود بوده‌اند- (نصیری، ۱۳۷۹: ۲۰).

پایداری شهری مفهومی است که در پی طرح توسعه پایدار به‌عنوان الگو واژه جدیدی در جهان مطرح گردید. ریشه‌های نگرش توسعه پایدار با نارضایتی از منابع توسعه و رشد اجتماعی- اقتصادی در شهرها از منظر بوم‌شناسی بر می‌گردد. از اوایل دهه ۷۰ میلادی جنبش گسترده‌ای با حساسیت‌های زیست‌محیطی بر ضد توسعه شهرها (به‌ویژه کلان‌شهرها) در کشورهای شمال به راه افتاد. در همین سال‌ها نگرانی به پایان رسیدن برخی از منابع عمده و اصلی و رشد صنعتی به نگرانی‌های اضافه شد و به تدریج محدودیت‌های رشد در زیست کره پدید آمد. این گونه تفکرات در باورهای مسلط سردمداران توسعه جهان بود که همچنان بر طبل رشد اقتصادی به هر قیمتی (البته با وعده باز پرداخت قیمت‌ها در آینده) می‌کوبیدند تا آنکه از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی و به طور مشخص در کنفرانس ریو ضرورت بازنگری توسعه جهانی با نگرش توسعه پایدار پذیرفته شد توسعه‌ای که نیازهای کنونی را بدون کاهش توانایی نسل‌های آتی و برآوردن نیازشان برآورده می‌کند. این الگو واره تازه با عنوان توسعه پایدار به مقابله با الگوهای تولید- توزیع و مصرف ناسازگار با طبیعتی می‌پردازد که به اتمام منابع و تخریب محیط‌زیست می‌انجامد و تنها فرایند توسعه‌ای را تأیید می‌کند که بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها در حد ظرفیت پذیرش- نظام‌های پشتیبان

حیات منجر شود. الگو واره تازه قداست رشد را شکست و به عدالت بین نسل‌ها، وابستگی بی‌چون‌وچرا به طبیعت، برتری کیفیت توسعه بر کمیت رشد، کل‌گرایی و توانمندسازی اجتماعات به همراه ارزش‌های معنوی و انسانی تأکید ویژه‌ای کرد (صرافی، ۱۳۷۹: ۷-۱۰).

شاخص‌های شهرسازی و خانه‌سازی توسعه پایدار

هدف اصلی از این برنامه شاخص‌های خانه‌سازی، طراحی ابزاری برای پایش اجرای درست راهبرد جهانی سکونت بود که با استقرار یک ابزار قانونی نظم دهنده محیط‌زیست بتواند توسعه سریع بخش خانه‌سازی را تسهیل کند. طرح ریزان در نظر داشتند که یک ابزار مدیریتی برای سرمایه‌گذاران، مشتریان و سازندگان خانه‌ها، سازمان‌های اعتباری خانه‌سازی، دولت‌های محلی و دولت‌های مرکزی جهت تعیین خط‌مشی‌های ضروری برای مشخص کردن نقاط بحرانی دارای خانه‌سازی ایجاد کنند. بررسی شاخص‌های خانه‌سازی در جهان در ۱۹۹۰ میلادی به عنوان بخشی از برنامه انسانی ملل متحد و بانک جهانی صورت گرفت. هدف کلی از این تحقیق ایجاد یک مجموعه جامع از شاخص‌ها برای بخش خانه‌سازی بود که با استفاده از ارزیابی شاخص‌های به‌کار رفته در تعداد زیادی از کشورها و استفاده از آن‌ها برای برقراری ارتباطات تحلیلی بین این شاخص‌ها شکل گرفت. مواردی از شاخص‌های خانه‌سازی:

۱. کیفیت خانه‌سازی و حقوق ساخت و ساز مسکن

۲. سرمایه‌گذاری و تولید در زمینه ساخت و ساز مسکن

۳. روش‌های مالی و مالیاتی

۴. عرضه و تقاضا در زمینه ساخت و ساز مسکن

۵. هزینه‌های ساخت و ساز، قیمت خرید و اجاره خانه

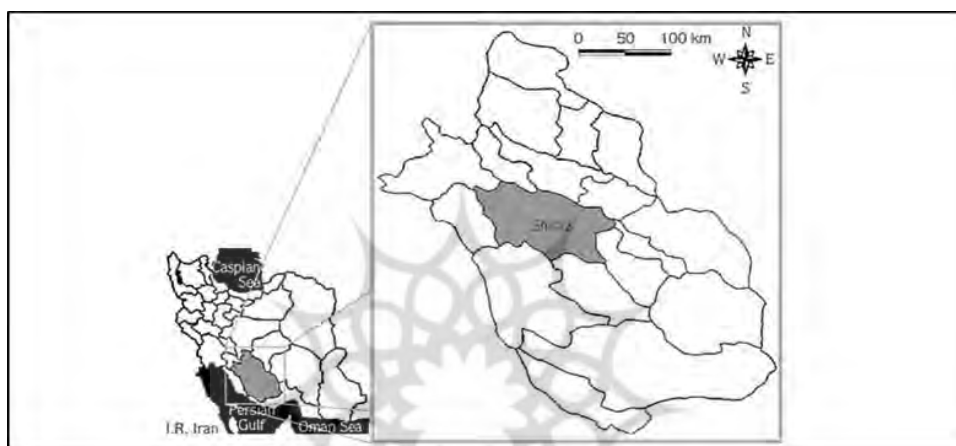
۶. خط‌مشی‌زیست محیطی ساخت و ساز مسکن

موفقیت برنامه شاخص‌های خانه‌سازی باعث ایجاد انگیزه برای تکمیل مجموعه‌ای تحت عنوان «شاخص‌های شهری» شد که به‌منظور دستیابی به عناصر ضروری در بخش شهری و پایش اجرای این شاخص‌ها در جهت اهداف مطلوب خط‌مشی‌های مورد نظر طراحی شد. نقش اصلی شاخص‌های شهرسازی این بود که هم شرایط و میزان پایداری اسکان بشر را ارزیابی کند و هم به تنظیم و پایش خط‌مشی‌ها در تمام جنبه‌ها و رویکردهای اسکان بشر کمک کند (مولدان و بیلهارز، ۱۳۸۱: ۳۱۴).

محیط مورد مطالعه

شیراز یکی از شهرهای بزرگ ایران و مرکز استان فارس است. جمعیت شیراز در سال ۱۳۹۵ خورشیدی بالغ بر ۱۷۱۲۷۴۵ تن بوده که این رقم با احتساب جمعیت ساکن در حومه شهر به ۱۸۶۹۰۰۱ تن می‌رسد. شیراز در بخش مرکزی استان فارس، در ارتفاع ۱۴۸۶ متری از سطح دریا و در منطقه کوهستانی زاگرس واقع شده و آب و هوای معتدلی دارد. این شهر از سمت غرب به کوه دراک، از سمت شمال به کوه‌های بمو، سبزپوشان، چهل‌مقام و بابا کوهی (از رشته کوه‌های زاگرس) محدود شده است (مؤمنی و قهاری، ۱۳۹۲: ۶۶). شیراز پس از تبریز (در سال ۱۲۸۷) و تهران (در سال ۱۲۸۹) سومین شهر ایران است که در سال ۱۲۹۶ خورشیدی، نهاد شهرداری در آن تأسیس

گردید. شهرداری شیراز به ۱۱ منطقه مستقل شهری تقسیم شده و جمعاً مساحتی بالغ بر ۲۴۰ کیلومتر مربع را شامل می‌شود. نام شیراز در کتاب‌ها و اسناد تاریخی، تحت نام‌های مختلفی نظیر «تیرازیس»، «شیرازیس» و «شیراز» به ثبت رسیده است. محل اولیه این شهر در محل قلعه ابونصر بوده است. شیراز در دوران بنی‌امیه به محل فعلی منتقل می‌شود و به بهای نابودی اصطخر - پایتخت قدیمی فارس - رونق می‌گیرد. این شهر در دوران صفاریان، بویان و زندیان پایتخت ایران بوده است. شیراز از دیرباز به واسطه مرکزیت نسبی اش در منطقه زاگرس جنوبی و واقع شدن در یک منطقه به نسبت حاصلخیز، محلی طبیعی برای مبادلات محلی کالا بین کشاورزان، یکجانشینان و عشایر بوده است. همچنین این شهر در مسیر راه‌های تجاری داخل ایران به بندر جنوب مانند بندر بوشهر قرار گرفته است (حاتمی بیگلو و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۶).

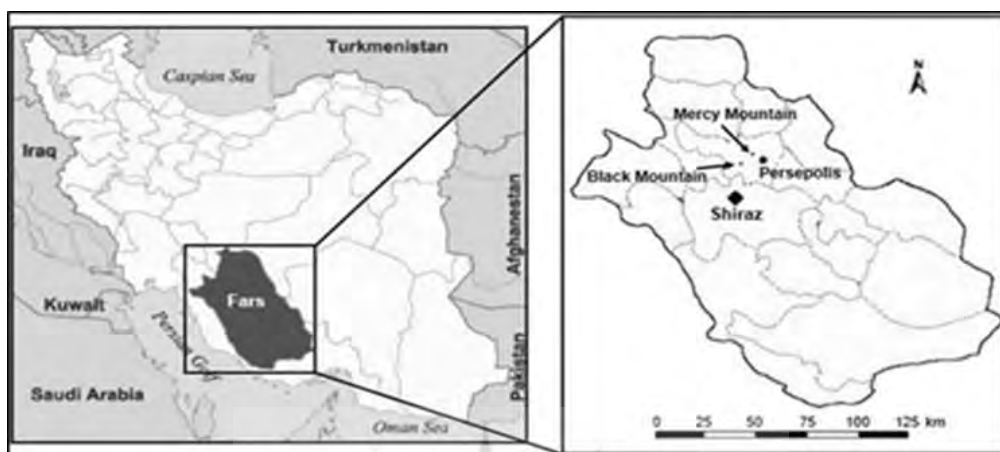


نقشه شماره ۱- موقعیت جغرافیایی شیراز منبع: (ResearchGate)

اولین اشاره به نام شیراز، بر روی لوح‌های گلی ایلامی به ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد بازمی‌گردد که در ژوئن ۱۹۷۰ در هنگام کندن زمین برای ساخت کوره آجرپزی در گوشه جنوب غربی شهر یافت شده است. لوح‌های نوشته شده در ایلام قدیم به شهری به نام تیرازیس اشاره دارد. با توجه به فونتیک چنین برداشت می‌شود: تیرازیس یا سیرازیس، این اسم از نام سیراجیس در فارسی قدیم گرفته شده است که بر اثر تغییر منظم صداها در زبان فارسی مدرن به شیراز تغییر نام داده است (بهروزی، ۱۳۴۳: ۴۰۲).

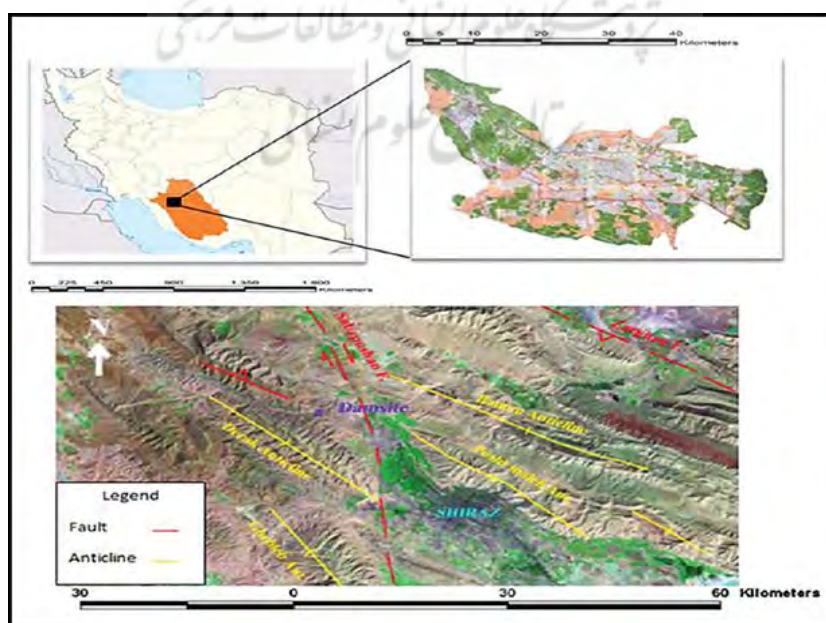
نام شیراز بر روی سفال‌های پیدا شده از ویرانه‌های دوره ساسانی در سده دوم پس از میلاد نیز رؤیت شده است. بر اساس نوشته‌های برخی از نویسندگان بومی، با توجه به شاهنامه، نام شیراز از نام پسر سومین شاه جهان یعنی تهمورث مشتق شده است. در کاوش‌های باستان‌شناسی در تخت جمشید، به سرپرستی جورج کامرون در سال ۱۳۱۴ خورشیدی به پیدایش خشت نوشته‌هایی عیلامی انجامید که بر روی چند فقره از آن‌ها به قلعه‌ای بنام «تیرازیس» یا «شیرازیس» اشاره شده است. همچنین مهرهایی مربوط به اواخر ساسانی و اوایل اسلام، در محل قصر ابونصر یافت شده است که حاوی نام «شیراز» می‌باشند. ابن حوقل، جغرافی‌دان مسلمان سده چهارم هجری، وجه تسمیه شیراز را شباهت این سرزمین به اندرون شیر می‌داند؛ چرا که به قول او عموماً خواربار نواحی دیگر بدان‌جا حمل می‌شد و از آن‌جا چیزی به جایی نمی‌بردند. بر اساس تحقیقات تدسکو شیراز به معنای مرکز انگور خوب است. هرچند این نظر توسط محققین دیگر مانند بنونیست و هنینگ رد شده است. بر طبق تاریخ ایران، چاپ

دانشگاه کمبریج، سکونت دائمی در محل شهر شیراز شاید به دوران ساسانی و حتی پیش از آن برسد؛ اما اولین اشاره‌های معتبر در مورد این شهر به اوایل دوران اسلامی برمی‌گردد. به نوشته دانشنامه اسلامی نیز شیراز شهری است بنا شده در دوران اسلامی در محلی که از زمان ساسانی یا احتمالاً پیش از آن سکونت گاه دائمی انسان بوده است (بهروزی، ۱۳۴۳: ۴۰۲).



نقشه شماره ۲- موقعیت ملی و منطقه‌ای شهر شیراز منبع: (link.springer.com)

شهر شیراز، مرکز استان فارس به طول ۴۰ کیلومتر و عرضی متفاوت بین ۱۵ تا ۳۰ کیلومتر با مساحت ۱۲۶۸ کیلومتر مربع به شکل مستطیل و از لحاظ جغرافیایی در جنوب غربی ایران و در بخش مرکزی فارس قرار دارد. اطراف شیراز را رشته کوه‌های نسبتاً مرتفعی به شکل حصاری استوار، احاطه کرده‌اند که از لحاظ سوق الجیشی و حفظ شهر اهمیت ویژه‌ای دارند. این شهر از سمت غرب به کوه دراک، از سمت شمال به کوه‌های بومو، سبزپوشان، چهل مقام و بابا کوهی (از رشته‌کوه‌های زاگرس) محدود شده است. مختصات جغرافیایی شیراز عبارت است از ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه شمالی و ۵۲ درجه و ۳۲ دقیقه و ارتفاع آن از سطح دریا بین ۱۴۸۰ تا ۱۶۷۰ متر در نقاط مختلف شهر متغیر است.



نقشه شماره ۳- شهر شیراز منبع: (یافته‌های پژوهش)

رودخانه خشک شیراز رودخانه فصلی است که پس از عبور از شهر شیراز به سمت جنوب شرقی حوضه خود متمایل شده و به دریاچه مهارلو می‌ریزد. میانگین دما در تیرماه (گرم‌ترین ماه سال) ۳۰ درجه سانتی‌گراد، در دی‌ماه (سردترین ماه سال)، ۵ درجه سانتی‌گراد، در فروردین‌ماه ۱۷ درجه سانتی‌گراد و در مهرماه ۲۰ درجه سانتی‌گراد می‌باشد و میانگین سالانه دما ۱۸ درجه سانتی‌گراد است. میزان بارندگی سالیانه شهر شیراز ۳۳۷۸ میلی‌متر است (مجتهدی، ۱۳۷۰: ۷۱).

بافت قدیمی شیراز

محل‌های قدیمی شیراز عبارت‌اند از: محله اسحق بیگ، محله بازار مرغ، محله بالا کفت (کفد)، محله درب شاهزاده، محله درب مسجد نو، محله سر باغ، محله سر دزک (محل زندگی داش آکل یکی از پهلوان‌های شیراز)، محله سنگ سیاه، محله لب آب، میدان شاه، محله یهود. (لازم به ذکر هست در شیراز بیش از ۸۰۰۰ یهودی زندگی می‌کنند) (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۳). در قدیم شیراز دارای ۶ دروازه بوده است. در حال حاضر در شیراز دروازه‌ای به غیر از دروازه قرآن وجود ندارد. اما مردم محل دروازه‌های قدیمی را با نام دروازه نام می‌برند که عبارت‌اند از:

۱. دروازه اصفهان: در نزدیکی پل شاه میر حمزه
 ۲. دروازه سعدی: در خیابان زند نزدیکی میدان ولی عصر (عج) (ولیعهد)
 ۳. دروازه قصابخانه: بین فلکه شهید مفتح و فلکه خاتون
 ۴. دروازه کازرون: در انتهای خیابان قآنی شمالی
 ۵. دروازه شاه داعی الی الله: در بلوار سیبویه، ابتدای بلوار خیابان آرامگاه شاه داعی الی الله
- در شیراز تعداد ۱۷۸ خانه تاریخی وجود دارد که ۲ خانه از آن از دوره زندیه و بقیه از دوره قاجار می‌باشد و ارزش تاریخی آن‌ها از عالی به متوسط ارزیابی می‌شود (خیر اندیش و منصوری، ۱۳۹۱: ۴۷).

تجربیات جهانی مدیریت بافت‌های تاریخی

تجربه‌های چند شهر از جهان-چهار شهر از انگلستان، یک شهر از مصر و استانبول ترکیه-در جدول شماره ۱ به نمایش درآمده است. بررسی تجارب مدیریت بافت‌های تاریخی در شهرهای مختلف بیانگر آن است که اهداف و اصول مورد توجه در آن، متأثر از ساختار حکومتی، دیدگاه‌های صاحب‌نظران و مدیران آن شهر و دیگر عوامل بوده است؛ ولی وجوه مشترکی را نیز می‌توان در اکثر آن‌ها یافت، که به شرح ذیل است:

- ۱-مرمت شهری متکی بر درآمدزایی، به‌عنوان تشویق‌کننده برای معاصر کردن بافت.
- ۲-ارتقا و تسهیل سطح مشارکت و اقناع مردم و ساکنان برای حفاظت از آثار تاریخی و شرکت در امر مرمت (جهان شاهی، ۱۳۸۲: ۴۷).
- ۳-شناخت دقیق و همه‌جانبه بافت کهن از بنا، مجموعه و بافت.
- ۴-تقویت بنیه اقتصادی و حیات اجتماعی شهر.
- ۵-تعیین نقش هر طرح مرمت بافت در درون طرح‌های شهری و طرح‌های منطقه‌ای و آمایشی.
- ۶-تعیین محدوده تاریخی، تفکیک بافت کهن به تقسیمات کوچک‌تر، و تعیین حد برای هریک از آن تقسیمات.

- ۷- حمایت و پشتیبانی لازم به وسیله دستگاه و نهادهای ملی و محلی، از جمله ارائه کمک‌های اقتصادی و تسهیلات و تدوین قوانین و مقررات.
- ۸- تأمین سرمایه‌های لازم از طریق بخش دولتی، تعاونی و خصوصی.
- ۹- اطلاع‌رسانی طرح‌ها و تصمیمات مرمت شهری برای ساکنان از طریق مختلف، از جمله انجام نظرخواهی.
- ۱۰- هماهنگی و توافق برنامه‌ریزان و مدیران سطوح مختلف، ساکنان و ذینفعان در اهداف و اقدامات نوسازی.
- ۱۱- تعیین حدود مشارکت و حقوق مادی ساکنان خسارت دیده در اثر اجرای طرح.
- ۱۲- طرح و اجرای دیدگاه‌ها و راه‌حل‌های متفاوت به تناسب شرایط مختلف مناطق و بافت‌های شهری.
- ۱۳- تسهیل بهسازی و نوسازی شهری با تقسیم شهر به مناطق همگن برنامه‌ریزی.
- ۱۴- بالا بردن سهم بخش خصوصی در نوسازی شهری.
- ۱۵- اداره و احیای بخش‌های تاریخی در سطح ملی و محلی نیازمند تعهد سیاسی قوی و چارچوب‌های نهادی است. در هر پروژه حفاظت و احیاء، وجود تعهد سیاسی قاطع و محکم امری ضروری به شمار می‌آید و تأثیر مستقیمی بر پذیرش افراد و برانگیختن اعضای مداخله‌کننده دارد (جهان شاهی، ۱۳۸۲: ۴۷).
- ۱۶- نتایج حاصل از پروژه‌ها، چه از لحاظ کیفی و چه از لحاظ کمی، باید کاملاً ملموس باشد
- ۱۷- برنامه‌نویسان نباید بیشتر از توان و ظرفیت موجود، پروژه تعریف و طراحی کنند و پروژه‌ها باید همیشه قابل کنترل باشد. در صورتی که از دید تصمیم‌گیران و افراد ذی‌مدخل پروژه‌ها، در زمان مشخص و هزینه معین قابل اجرا نباشد، با آن همراه نخواهد شد (جهان شاهی، ۱۳۸۲: ۴۷).
- ۱۸- غیرمتمرکز کردن کارها و سپردن آن به گروه‌های محلی و زیر نظر افراد محلی بسیار مهم است
- ۱۹- جلب سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، ملی و محلی (دولتی و غیردولتی) در پروژه‌های حفظ و احیا ضروری است.
- ۲۰- شناخت مسائل و مشکلات مدیریتی حفظ و احیای بافت، اعم از بی‌ثباتی ساختارهای مدیریت شهری، نامناسب بودن ابزارهای برنامه‌ریزی طولانی‌مدت و مشکل گردهم آمدن سطوح مختلف مسئولیت‌های مشترک دستگاه‌های مؤثر و مداخله‌کننده در بافت، و از بین بردن و کاهش آن‌ها نقش عمده‌ای در اجرای طرح‌ها دارد. بافت‌های تاریخی ایران هم‌اکنون دارای ویژگی‌ها و مشخصاتی بدین شرح‌اند:
 - ۱- این محدوده اغلب دارای مرکزیت مکانی در شهر است و خصلت مرکز شهری را نیز حفظ کرده است و نشانه‌هایی چون شبکه شعاعی منتهی به این مرکز، وجود بازار و مجتمع‌ها و راسته‌های عملکردی تأییدکننده مرکزیت شهری است (جهان شاهی، ۱۳۸۲: ۴۷).
 - ۲- قدمت ساخت‌وساز شهری و فراوانی نسبی بیشتر بافت‌ها و ساختمان‌ها (تک بناها) ی قدیمی در این محدوده عاملی است که آن را از پهنه‌های شهری پیرامون خود جدا می‌کند.
 - ۳- عموماً لبه و مرز بافت تاریخی شهرهای ایران را حصارها و دروازه‌هایی تشکیل می‌دهد که در دوره‌های تاریخی مختلف تأسیس گردیده، گسترش یافته و یا تجدید بنا شده‌اند. البته گاه از این حصارها و دروازه‌ها چیزی جز خیابان عریض باقی نمانده است (جهان شاهی، ۱۳۸۲: ۴۷).

۴- وجود بازار شهر با عملکرد شهری، منطقه‌ای و گاه فرامنطقه‌ای و تمرکز راسته‌ها در محدوده بافت تاریخی شهر که گاهی این راسته‌ها به بیرون از بافت نیز امتداد می‌یابند.

۵- وجود تعداد زیادی از ساختمان‌ها، فضاها و یادمان‌های شاخص و قدیمی شهر در محدوده بافت، خصلتی تاریخی-فرهنگی به آن می‌دهد و مشخصاً حاکی از تمایز این محدوده از حوزه‌های اطراف آن است (پورجعفر و معروفی، ۱۳۸۷: ۴۷).

۶- مشخصه‌های فیزیکی ساختمان‌ها و بناهای این محدوده نشان دهنده تمایز آن‌ها از یکدیگر است، که از آن جمله‌اند ارتفاع ساختمان‌ها، مصالح و اسکلت مورد استفاده آن‌ها، معماری ساختمان، آرایه‌های بیرونی و تفکیک داخلی آن‌ها.

۷- غیر معاصر بودن محیط شهری و ناکارآمدی و کیفیت محیطی پایین آن.

۸- بالا بودن مزیت نسبی محدوده برای استقرار فعالیت‌های شهری و منطقه‌ای.

۹- بی‌توجهی به برنامه‌ریزی و اقدام یکپارچه در محدوده بافت، به‌گونه‌ای که گاه محدوده بافت حتی از لحاظ تقسیم‌بندی شهری، میان شهرداری چند منطقه پاره‌پاره می‌شود (نمونه تهران) (پورجعفر و معروفی، ۱۳۸۷: ۴۷).

۱۰- محدوده بافت، اغلب نقش کانون اقتصادی-عملکردی شهر را ایفا می‌کند و مرکز استقرار بازار و بسیاری از واحدهای اقتصادی و خدماتی است. تعداد کارگاه‌های موجود در بافت و همچنین درصد شاغلان در محدوده بافت شاخص‌های مناسبی برای سنجش این مرکزیت است.

۱۱- بافت عموماً در چند دهه گذشته با فرایند کاهش تعداد جمعیت ساکن و افزایش جمعیت شاغل مواجه بوده است، که این خود ناشی از غلبه تدریجی کاربری‌های غیرمسکونی در بافت‌های مسکونی و تبدیل غیر مشهود این واحدها به مغازه‌ها و کارگاه‌هاست.

۱۲- یکی دیگر از ویژگی‌های جمعیتی این محدوده تفاوت جمعیت شب (ساکنان محدوده) و روز (ساکنان، شاغلان و مراجعان به محدوده) است.

۱۳- عموماً این بافت‌ها جذابیت خود را برای سکونت طبقات و اقشار متمکن جامعه از دست داده‌اند و تبدیل به محل سکونت اقشار فقیر و میان درآمد، مهاجران و شاغلان کارگاه‌های موجود در بافت شده‌اند. این موضوع یکی از اصلی‌ترین تهدیدها برای تخریب کامل بافت‌های تاریخی شهرهای ایران محسوب می‌شود.

۱۴- به موازات محدود شدن فضای گسترش واحدهای اقتصادی، وجود محدودیت‌های اداری و قانونی در این زمینه و نیز هزینه زیاد ایجاد و راه‌اندازی یک واحد اقتصادی در محدوده بافت‌های تاریخی، گسترش خزنه غیرمشهود واحدهای اقتصادی به داخل بافت‌های مسکونی پیرامون خود و تبدیل واحدهای مسکونی به واحدهای اقتصادی (تولیدی، خدماتی، انباری) ادامه یافته و تشدید شده است. این امر هم‌جواری کاربری‌های ناسازگار در کنار یکدیگر را تشدید کرده است (پورجعفر و معروفی، ۱۳۸۷: ۴۷).

قوانین و مقررات مورد عمل در حوزه بافت‌های تاریخی شهرهای ایران

قوانین و مقررات در کنار منابع انسانی، مالی و اطلاعات از جمله منابع مهم و استراتژیک در حفظ و احیای بافت‌های تاریخی محسوب می‌شوند. تعیین و تصویب قوانین صریح و شفاف و در بعضی موارد اصلاح قوانین و

مقررات از جمله منابع ساختاری است که می‌تواند استمراری برای آهنگ مطلوب و مناسب مدیریت حفظ و احیا باشد. بررسی تجارب کشورهای اروپایی نیز نشان می‌دهد که حفظ و احیا اغلب با اصلاح قوانین و مقررات آغاز شده است (جهان شاهی، ۱۳۸۲: ۶۲).

خلاً وجود قانون خاص حفظ و احیای بافت‌های ارزشمند تاریخی و قدیمی شهرها در مجموعه قوانین مربوط به میراث فرهنگی، کاملاً مشهود است. اغلب قوانین مصوب در حوزه میراث فرهنگی به حفاظت مربوط می‌شود که آن هم عمدتاً تک بناهای ارزشمند را دربرمی‌گیرد. البته این نگرش با توجه به زمان تهیه این قوانین که عموماً مربوط به چند دهه قبل است توجیه‌پذیر است. بنابراین تهیه قانون مشخص و خاص در زمینه حفظ و احیای بافت‌های تاریخی شهرها دربرگیرنده تشکیلات، منابع، مجازات‌ها، تشویق‌ها و جایگاه طرح‌ها و برنامه‌ها ضرورتی انکارناپذیر است (جهان شاهی، ۱۳۸۲: ۶۲).

در قالب ماده ۱۶۶ قانون برنامه سوم توسعه، فرصت مناسبی برای سازماندهی بهینه مدیریت بافت تاریخی شهرها فراهم گردید. این ماده در قالب ماده ۱۱۵ قانون برنامه چهارم توسعه مجدداً مورد تنفیذ قرار گرفت (جهانگیر، ۱۳۸۴؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۰-۱۳۸۵). مطابق بند ب ماده مذکور، در شهرهای دارای بافت تاریخی ارزشمند، تشکیلات شهرداری‌ها مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد و به منظور انجام امور مربوط به حفاظت از میراث تاریخی این‌گونه شهرها، سازوکار مدیریتی مناسب در شهرداری‌ها مذکور ایجاد می‌گردد. به نظر می‌رسد این ماده و آیین‌نامه اجرایی آن فرصت مغتنمی را فراوی شهرداری‌های قرار می‌دهد تا به ایجاد تشکیلات مدیریتی مستقل و دارای وظایف مشخص پردازند و نسبت به حفظ و احیا و بهره‌برداری از بافت قدیم و تاریخی شهر حساسیت و توجه بیشتری را مبذول دارند. بخشی از مهم‌ترین وظایفی که بر اساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۶۶ قانون برنامه بر عهده ساختار مدیریتی خاص در شهرداری‌ها نهاده شده، این‌هاست:

- برنامه‌ریزی، تهیه و اجرای طرح‌ها.

- برنامه‌ریزی و انجام اقدامات حمایتی، مالی و اجرایی نسبت به مالکان و متصرفان قانونی آثار ارزشمند صدور پروانه ساختمانی و انجام عملیات عمرانی در عرصه و حریم بافت.

- بررسی و تغییر مشاغل زیان‌بار و انتقال آن‌ها از بافت یا محوطه تاریخی.

- تهیه و اجرای طرح و انجام اقدامات لازم به منظور ایجاد روند اقتصادی در بازارها و بافت‌های تاریخی (جهان شاهی، ۱۳۸۲: ۶۲).

مسائل و مشکلات مدیریتی در بافت‌های تاریخی شهرهای ایران

به منظور شناخت دقیق‌تر از مسائل و مشکلات مدیریتی بافت‌های تاریخی شهری ایران سه شهر یزد، اصفهان و تهران مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت، به‌طور خلاصه می‌توان وضعیت آن‌ها را به شرح ذیل توصیف کرد:

یزد از شهرهای تاریخی ایران و دارای بافت تاریخی ارزشمندی است. بافت تاریخی یزد در قسمت مرکزی شهر به صورت پیوسته دارای وسعتی حدود ۷۰۰ هکتار است. مدیریت بافت تاریخی شهر یزد با تشکیل شهرداری بافت تاریخی در سال ۱۳۶۴ و سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری یزد در کنار سایر عناصر مدیریت بافت از جمله میراث فرهنگی و شورای مرکزی بافت قدیم یزد، با حضور استاندار، شهردار یزد، مدیرکل میراث فرهنگی،

رئیس سازمان مسکن و شهرسازی، و همچنین تعریف و اجرای پروژه امیرچخماق یزد وارد مرحله جدی گردیده است. تجربه یزد به رغم فقدان منابع مالی معین و کافی، کمبود و ضعف برنامه‌ها و طرح‌های موضعی و موضوعی، نمونه مناسبی از تکامل دستگاه‌های مداخله کننده در مدیریت بافت محسوب می‌شود، که با تکمیل و تدقیق این تجربه می‌توان از آن در سایر شهرهای کشور نیز بهره برد. شهرداری اصفهان و تهران به علت ارزش افزوده نسبتاً بالای بافت قدیمی و مرکزی شهر برای توسعه فعالیت اداری، تجاری و انبارداری، به دلیل فقدان سازوکار همکاری مشخصی بین عناصر مداخله کننده و تصمیم‌گیری و پاره‌پاره شدن مدیریت بافت تاریخی بین چند شهرداری منطقه‌ای و فقدان دیدگاه و نگرش حفظ و احیای بافت تاریخی، خصوصاً در تهران، در وضعیت نابسامان‌تری از لحاظ مدیریتی به سر می‌برند. بر مبنای بررسی‌های صورت گرفته، می‌توان مسائل و مشکلات بافت‌های تاریخی شهرداری ایران را به صورت عام و کلی در موارد زیر خلاصه کرد (مهدیزاده، ۱۳۸۱: ۲۶):

۱- خلأ تقسیم وظایف و عدم هماهنگی در ساختار و اداره بافت تاریخی شهرها در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی باوجود تعدد عناصر مداخله کننده در بافت، شرح وظایف و حوزه‌های مداخله هریک از دستگاه‌ها و نهادها در تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای بافت مشخص نیست. فقدان سازماندهی خاص برای هماهنگی و پیشبرد امور برنامه‌ریزی و اجرا، تأثیرات نامطلوبی در بافت تاریخی و مرکزی شهرها بر جای می‌گذارد. ضعف تشکیلاتی شهرداری‌ها در زمینه حفظ و احیا، امکان تعیین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها را در سطح محلی یا ابهام مواجه می‌کند (مهدیزاده، ۱۳۸۱: ۲۶).

۲- خلأ طرح‌ها و برنامه‌های راهبردی حفظ و احیای بافت‌های تاریخی در طرح‌های شهری اعم از جامع و تفصیلی به صورت کلی به موضوع حفظ و احیای بافت‌های تاریخی توجه می‌شود، و گاه نیز طرح موضعی خاصی نیز به وسیله متولیان در دستور کار قرار می‌گیرد لیکن اغلب این طرح‌ها کالبدی‌اند و برای محله‌ها و محورهای خاص و تک بناها تهیه می‌شوند، و در نتیجه فاقد دیدگاه راهبردی و همه جانبه نگر برای حفظ و احیا هستند (پورجعفر و معروفی، ۱۳۸۷: ۵۸).

۳- اجرای برنامه‌های بازسازی شهری بدون توجه به آثار این اقدامات بر بافت‌ها و بناها و یادمان‌های باارزش تاریخی شهرها

رویکرد غالب بازسازی و نوسازی شهری در ایران، تخریب و منزوی کردن بافت‌های تاریخی است. عموماً مدیران شهری ترجیح می‌دهند که منطقه‌ای را پاک‌سازی کنند و با حذف صورت مسئله و با کنار گذاشتن تمامی مشکلات و پیچیدگی‌ها و مسائل ناشناخته‌ای که از حفظ بافت تاریخی شهرها و بناها و آثار قدیمی ناشی می‌شود، همه چیز را از نو شروع کنند. این تهدید با توجه به هدف‌گذاری قوانین برنامه‌های توسعه برای ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری در ده سال آینده، تشدید شده است. درهم آمیختگی بناها و محورهای باارزش تاریخی با آن‌هایی که فرسوده و بی‌ارزش‌اند، حساسیت مداخله در این بافت‌ها را دو چندان می‌کند (پورجعفر و معروفی، ۱۳۸۷: ۵۸).

۴- عدم توجه و احساس تعلق شهروندان به بافت

بررسی جنبه‌های مختلف مشکلاتی که به واسطه حفظ و احیا به وجود می‌آیند، این حق را به افراد عادی می‌دهد که در سیاست‌گذاری کاملاً دخیل گردند و حق ارائه نظر داشته باشند و حضور فعال و آزادانه افراد جامعه در رفع مشکلات بخش‌های تاریخی، مورد استقبال قرار گیرد. نقش افراد و ساکنان که در محله‌ها و بافت‌های تاریخی زندگی می‌کنند، یا ممکن است دارای فعالیت اقتصادی باشند، جایگاه ویژه‌ای در مدیریت حفظ و احیا دارد. در بافت‌های تاریخی شهرهای ایران مشکلات اجتماعی و کالبدی (به هم ریختگی بافت‌های اجتماعی ساکنان خصوصاً در مناطق تاریخی، مشکلات ناشی از فرسودگی در بخش عمده‌ای از بافت و کمبود و مشکلات مربوط به دسترسی به خدمات عمومی و شهری) موجب شده است که بافت از ساکنان اصیل و علاقه‌مند به گذشته تاریخی و فرهنگی خود خالی شود. این‌ها جای خود را به اقشار با تمکن مالی پایین، مهاجران و شاغلان در بافت داده‌اند. عدم احساس تعلق این شهروندان ناخوانده، امکان موفقیت برنامه‌ریزی حفظ و احیای شهروندمداری را با ابهام مواجه می‌کند (پورجعفر و معروفی، ۱۳۸۷: ۵۸).

مدیریت شهری و توسعه پایدار در بافت‌های تاریخی شیراز

منطقه تاریخی شهر شیراز با وسعتی معادل ۳۶۰ هکتار، اکنون مرکز اصلی شیراز محسوب می‌شود. که در طی یک دوره فرآیند تدریجی ۱۳۰۰ سال از دوازده محله تشکیل یافته است. این منطقه که حدود ۲/۵ درصد از کل شهرها شاملم یهود، دارای نقش ساختاری فعالیتی و خدماتی است و کاربری‌های مانند شهرداری، دادگستری، بازار و شعب مرکزی بانک‌ها... در آن استقرار دارند. منطقه تاریخی فرهنگی شهر شیراز هم به لحاظ میراث فرهنگی و یادمان‌های جمعی تاریخی موجود در آن که نقشی هویت‌بخش به شهر می‌دهد و هم به لحاظ تجاری، گردشگری آن نقش به‌سزایی در شهر شیراز دارد. با وجود این جریان زندگی موجود در آن در طی دهه‌های اخیر همراه با تنزل ارزش‌های سکونتی مواجه بوده و بخش وسیعی از این منطقه در حال حاضر مأوای تهیدستان شهری و اقشار مهاجر جویای کار است که عمدتاً در بخش‌های کم مهارت وابسته به اقتصاد تجاری بازار مشغول به فعالیت‌اند و به دنبال مسکن ارزان موجود در بافت‌های فرسوده و بی‌رونق به این منطقه کشیده می‌شوند. وجود بازار و محوریت تجاری-گردشگری منطقه تاریخی- فرهنگی که توأم با تمرکز فعالیت‌های کار و به زیان سکون صورت یافته از یک‌طرف و سرریز جمعیت جویای کار، فرسوده‌شدن بافت، مهاجرت افراد اصیل منطقه به بیرون در کنار مسائل متعددی که در مجموع باعث کاهش ارزش سکونتی این منطقه بوده باعث شده تا در مقایسه با سایر مناطق شهر شاهد سکونتی بسیار ناپایدار باکیفیت پایین و بافت اجتماعی ناهمگون و نامنسجم در آن باشیم. افراد مهاجر جویای کار و تهیدستان شهری در این سال‌ها جذب منطقه شده‌اند و ناامنی و فقر و برهم خوردن نظام قشربندی اجتماعی و کاهش گرایش به سکونت اقشار بالا و میانی در آن به چشم می‌خورد (حسینی و حسینی، ۱۳۹۴: ۳۳).

بافت تاریخی شهرها ۱ دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی است که آن را از بافت‌ها و پهنه‌های پیرامونی و بلافصل و نیز سایر قسمت‌های شهر متمایز می‌کند. وجود و استقرار عناصر، راسته‌ها، گره‌های ارزشمند تاریخی، فرهنگی، سیاسی و تجاری، به همراه تفاوت قدمت و عمر بناها، ظرفیت گردشگری و نقش آن‌ها در تقویت هویت فرهنگی

و تاریخی، ضرورت نگاه متمایز مدیریتی به این مناطق را نسبت به سایر مناطق شهری ایجاب می‌کند (حسینی و حسینی، ۱۳۹۴: ۳۳).

جدول شماره ۱- مقایسه سهم جمعیتی بافت تاریخی و شهر شیراز

سهم منطقه از جمعیت شهر	جمعیت منطقه تاریخی	شهر شیراز	سال
۶۰	۱۰۲۳۹۵	۱۷۰۶۵۹	۱۳۳۵
۲۹/۲	۷۸۷۱۶	۲۶۹۸۶۵	۱۳۴۵
-	-	۴۲۵۸۱۳	۱۳۵۵
۹/۳	۷۸۹۱۱	۸۴۸۲۸۹	۱۳۶۵
۶/۴	۶۵۵۸۵	۱۰۵۳۰۲۵	۱۳۷۵
۴/۶	۵۶۴۴۵	۱۲۲۷۳۳۱	۱۳۸۵
۲/۷	۴۴۳۹۷	۱۶۲۵۸۰۷	۱۳۹۰

منبع: (مرکز آمار و سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵-۹۰)

بررسی و تحلیل مدیریت بافت‌های تاریخی شهرهای کشورمان هنگامی ضرورتی دوچندان می‌یابد که بدانیم بسیاری از این بافت‌ها دارای مسائل و مشکلات متعددی هستند و این معضلات باعث تخلیه و فرسودگی و در نهایت بروز ناهنجاری‌های گوناگون شده است. تعدادی از این مشکلات را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- ناسازگاری فضاها و فعالیت‌ها و تراکم بیش از حد جمعیت و فعالیت
- ۲- ترافیک سنگین وسایل نقلیه و ضعف تسهیلات لازم برای افراد پیاده و دوچرخه سواران و همچنین ضعف شبکه و سیستم حمل و نقل عمومی
- ۳- خالی شدن تدریجی بافت از جمعیت ساکن و ایجاد فضاهای بی‌دفاع و غیر پویا
- ۴- وجود انواع آلودگی‌های زیست محیطی
- ۵- ضعف خدمات شهری، تأسیسات شهری، مبلمان و سایر تسهیلات ضروری برای زندگی
- ۶- فرسودگی و عدم اصلاح بناهای موجود در بافت
- ۷- ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی در بافت (حسینی و حسینی، ۱۳۹۴: ۳۳).

بروز مشکلات مذکور و عدم هماهنگی در نظام مدیریت بافت در حوزه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، و اجرا، باعث گردید که دولت به منظور ساماندهی وضعیت بافت‌های تاریخی، در برنامه سوم توسعه (ماده ۶۶۱) و برنامه چهارم (ماده ۵۱۱)، ملزم به اتخاذ سازوکارهای مدیریتی خاص برای اداره بافت تاریخی شهرها و دادن وظایف و مسئولیت‌های بیشتر به نهادهای محلی گردد. مدیریت بافت‌های تاریخی نیازمند توجه همزمان به چهار عنصر تشکیلات، منابع (انسانی، مالی، قانونی و اطلاعات)، طرح و برنامه، و آموزش و مشارکت شهروندان است. در این مقاله با مبنا قرار دادن محورها و عناصر مذکور و ضمن توجه به اصول و تجارب جهانی، تحلیل مدیریت بافت‌های تاریخی کشور انجام گرفته، و نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت‌ها، و در نهایت نیز راهبردهای بهبود مدیریت بافت‌های تاریخی استخراج شده است (امیدوارفر، ۱۳۹۶: ۸).

تبیین مفاهیم مرتبط با بافت تاریخی به این لحاظ ارائه می‌گردد که شناخت دقیق‌تری نسبت به بافت‌های تاریخی و تمایز آن با انواع دیگر بافت‌های شهری حاصل گردد و زمینه تحلیل و مدیریت و نحوه مداخله در آن به نحو

مطلوب‌تری میسر شود. تعاریف واژه‌ها وقتی ضرورتی چندانی می‌یابد که بدانیم بعضی از مدیران و برنامه‌ریزان از واژه‌های مرتبط به نحو مناسب استفاده نمی‌کنند و گاه در اجرای طرح‌های بافت‌های فرسوده دچار غفلت در مواجهه با بافت‌های باارزش می‌گردند. بدین منظور مفاهیم عمده‌ترین واژه‌های مرتبط به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

بافت شهری: عبارت است از دانه‌بندی و در هم تنیدگی فضاها و عناصر شهری که به تبع ویژگی‌های محیط طبیعی و مخصوص توپوگرافی، در محدوده شهر یعنی بلوک‌ها و محله‌های شهری به‌طور فشرده یا گسسته و بانظمی خاص جایگزین شده‌اند (توسلی، و همکاران، ۱۳۶۸).

مراد از بافت‌های تاریخی، آن‌هایی است که به‌رغم فرسودگی در گستره‌شان بناها، مجموعه‌ها، تأسیسات و تجهیزات شهری باارزش-و یا ترکیبی از آنها-وجود دارد (مهندسین مشاور شاران، ۱۳۸۴: ۱-۲).

مراد از فرسودگی همان ناکارآمدی و کاهش کارایی بافت نسبت به میانگین بافت‌های شهری مکان مورد بررسی است. فرسودگی در بافت و عناصر درونی آن یا به سبب قدمت به وجود می‌آید و یا به علت فقدان برنامه توسعه و نظارت فنی بر شکل‌گیری بافت. پیامد فرسودگی بافت که در نهایت منجر به از بین رفتن منزلت آن در میان شهروندان می‌شود، در اشکال گوناگون از جمله کاهش و یا فقدان شرایط زیست‌محیطی و ایمنی، نابسامانی کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و تأسیساتی در بافت و شناسایی می‌گردد (امیدوارفر، ۱۳۹۶: ۸).

بافت‌های فرسوده به سبب فرسودگی، به‌طورکلی وجوه مشترکی با یکدیگر دارند، اما به سبب عوامل مؤثر در فرسودگی ماهیت‌های متفاوتی دارند. این تفاوت‌ها موجب می‌شود که بافت‌ها در سه گروه زیر قرار بگیرند:

(الف)- بافت‌های دارای میراث شهری (بافت‌های تاریخی)

(ب)- بافت‌های شهری (فاقد میراث شهری)

(ت)- بافت‌های حاشیه‌ای (سکونتگاه‌های غیررسمی)

بهسازی شامل سلسله اقداماتی است که به منظور بهبود کالبد، که در نتیجه فرسایش فعالیت تحقق یافته است، در کوتاه‌مدت انجام می‌پذیرد. در واقع بهسازی زمانی صورت می‌گیرد که فرسودگی نسبی فضا از لحاظ عملکردی حادث شده باشد (امیدوارفر، ۱۳۹۶: ۸).

نوسازی زمانی انجام می‌شود که فضای شهری مجموعه و یا بنا کارکردی مناسب داشته، ولی فرسودگی نسبی کالبدی فضایی سبب کاهش بازدهی و کارایی آن شده است. نوسازی مجموعه اقداماتی را شامل می‌شود که در عین حفاظت از بنا، مجموعه و یا فضای شهری کهن، سازمان فضایی مربوط را معاصر سازی می‌کند و امکان بازدهی بهینه را فراهم آورد.

احیا: احیا به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از نوسازی، تعریف و تبیین می‌شود. این واژه به معنای یگانگی بخشیدن به همه بخش‌های از میان رفته اثر یا سازمان فضایی است، به‌گونه‌ای که بتوان کلیت خدشه‌دار شده را از نو ایجاد کرد. به سخن دیگر، احیا یا بازگشت هر بنا، مجموعه و فضایی شهری اولیه، سبب بازگرداندن حالت وجودی و ذاتی اصلی بنا، مجموعه یا فضای شهری می‌گردد (امیدوارفر، ۱۳۹۶: ۸).

بازسازی به معنای از نو ساختن است. بازسازی زمانی صورت می‌گیرد که در بنا، مجموعه و یا فضای شهری، فرسودگی به صورت کامل ایجاد شده باشد. فرسودگی کامل معمولاً بر اثر فرسودگی (نسبی یا کامل) فعالیت و کالبد به شکل توأمان صورت می‌پذیرد. این امر معمولاً برای ایجاد حیات جدید در سازمان فضایی فرسوده (بنا، مجموعه، بافت) به کار می‌رود (حبیبی، ۱۳۸۱: ۱۲-۸۱).

مدیریت بافت تاریخی به عنوان بخشی از میراث فرهنگی جامعه

بافت‌های تاریخی شهرها تجسم عینی تمدن و فرهنگ هر جامع و از بسترهای مناسب برای دستیابی به شاخص‌های مختص خود در فرایند گفت‌وگو و تعامل بین تمدن‌ها و فرهنگ‌هاست. این بافت‌ها سند عینی و ماندگاری هستند که به صورت امانتی ارزشمند از هنر و فرهنگ گذشتگان برای استفاده آیندگان از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند. هر ملتی در طول تاریخ حیات خود مجموعه‌ای ارزش‌ها را کسب می‌کند که اگر در مسیر تعالی و تکامل و توسعه خود قرار دهد، سبب دوام و بقا و تکامل می‌شود (مهدیزاده، ۱۳۸۴: ۲۵).

بافت‌های تاریخی با رشد و گسترش شهرها در معرض نابودی قرار گرفته‌اند و نوگرایی افراطی در معماری و شهرسازی باعث انهدام و تخریب محله‌های قدیمی شهر شده است. جایگزینی ساختمان‌های جدید به جای ساختمان‌های بناهای تاریخی، شکاف بین هویت جمعی حاضر و ارزش‌های تاریخی را عمیق‌تر کرده است. مدیریت بافت‌های تاریخی مقوله‌ای جدا از میراث فرهنگی نیست. به بیان دیگر، این مدیریت در چارچوب مدیریت فرهنگی بررسی شدنی است. در بافت‌های تاریخی به عناصر مادی یا وجه مادی فرهنگ، یا آنچه که به قول مردم شناسان فرهنگ مادی در برابر فرهنگ نامیده می‌شود (یعنی آثار مادی و عینی فرهنگ)، به‌طور مشخص توجه می‌شود. از این رو عناصر میراث فرهنگی از جمله بافت‌های تاریخی ارزشمند به‌عنوان منابع فرهنگی هر جامعه تلقی می‌گردند. بنابراین مدیریت حفظ و احیای بافت‌های تاریخی شهرها، مدیریت بخشی از منابع فرهنگی و هدف تعمیق روابط معنوی و ذهنی و نیز هویت بخشی به زندگی شهری است (غراب، ۱۳۸۰: ۲-۳).

مدیریت بافت تاریخی مسئولیت مشترک دولت مرکزی، محلی و شهروندان

مدیریت بافت تاریخی در بهترین شکل خود مستلزم حضور عناصر ملی، منطقه‌ای و محلی در فرایند برنامه‌ریزی، هماهنگ‌سازی، اجرا و نظارت است. بافت‌های تاریخی قبل از هر چیز سرمایه‌های فرهنگی ملی تلقی می‌شوند؛ بنابراین اولین هسته‌ای که می‌تواند در سازمان مدیریت حفظ و احیا نقش حیاتی داشته باشد، دولت مرکزی است. بدیهی است که نه دولت و نه سازمان‌های عمومی هیچ‌کدام نمی‌توانند در مدیریت حفظ و احیا خالق فرهنگ جدیدی باشند؛ بنابراین شاید ضرورتی نداشته باشد که دولت به تولید و تبیین مسیر فرهنگ پردازد؛ بلکه تنها می‌بایست به ایجاد شرایط لازم برای توسعه فرهنگی از طریق ارائه رویه‌های اداری و نهادی مناسب بسنده کند. در واقع تعیین سیاست‌های کلی، نظارت، ایجاد انگیزه، هدایت و ارزش‌یابی در خصوص حفظ و احیای بافت‌های تاریخی، از اصلی‌ترین وظایف دولت مرکزی به شمار می‌آید. از سوی دیگر، سهم بافت‌های تاریخی ارزشمند در گردشگری موضوعی انکارناپذیر است. از این حیث دولت‌ها نیز به سودآوری حفظ و احیای بافت‌های تاریخی

به خاطر جایگاه آن در اشاعه و ترویج گردشگری توجه خاص دارند (طاهرخانی و متوسلی، ۱۳۸۵: ۹۶). در مجموع می‌توان وظایف دولت مرکزی را در زمینه حفظ و احیای بافت‌های تاریخی در موارد ذیل خلاصه کرد:

- ۱- تعیین سیاست‌های حمایتی کلان و گنجاندن آن در برنامه‌های کوتاه‌مدت و درازمدت
- ۲- رهبری و هدایت کلان برنامه‌ریزی و مدیریت حفظ و احیای بافت‌های تاریخی
- ۳- تأمین منابع مالی و تدارکات عمومی
- ۴- بالا بردن امکانات دستیابی آحاد مردم به بهره‌برداری ذهنی معنوی مناسب از بافت‌های تاریخی
- ۵- هماهنگ‌سازی میان سازمان‌های ذی‌ربط
- ۶- نظارت عالیه بر مدیریت حفظ و احیای بافت‌های تاریخی
- ۷- ارزشی‌ای بی مجموعه فعالیت‌های انجام‌شده در خصوص مدیریت حفظ و احیا.

شکل‌گیری مدیریت فرهنگی در تشکیلات محلی به استقلال این تشکیلات از دولت مرکزی و همچنین به آگاهی آنان از نیازهای محلی به برنامه‌ریزی و تحقق سیاست‌های فرهنگی بستگی دارد. در زمینه مدیریت بافت تاریخی، تشکیلات محلی به‌طور کلی دارای سه وظیفه اصلی است:

۱. تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری محلی
۲. تدوین طرح‌ها و برنامه‌ها
۳. اجرا و محقق ساختن برنامه‌ها.

این که چگونه می‌توان میان سه جزء مذکور ارتباط منطقی برقرار کرد، بستگی به نظامی دارد که حکومت محلی در آن مستقر است. نمایندگان منتخب که معمولاً اعضای شورا یا انجمن شهرند، سیاست‌گذاری را تعیین می‌کنند. گروه تخصصی و مشورتی وظیفه تدوین برنامه‌ها و طرح‌های حفظ و احیای بافت‌های تاریخی را بر عهده دارد. در واقع گروه‌های تخصصی بازوی علمی و کارشناسی افراد منتخب محلی هستند. نهایت وظیفه عمده و اصلی اجرایی و محقق ساختن برنامه‌ها، طرح‌ها سیاست‌های مصوب با مدیریت اجرایی است، که غالباً این مسئولیت را مقام اجرایی شهردار بر عهده دارد. این فرد مستقیم پاسخگوی نمایندگان منتخب محلی است و از وظایف مهم وی ایجاد هماهنگی میان افراد و سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط است (طاهرخانی و متوسلی، ۱۳۸۵: ۹۶). به طور کلی یکی از نقش‌های حکومت محلی در فرایند مدیریت بافت‌های تاریخی، هماهنگ‌سازی و تسهیل این فرایند، تشویق به مشارکت مردم و تقویت وفاق است.

مردم در تحقق برنامه‌های حفظ و احیای بافت تاریخی و مدیریت بر آن نقش انکارناپذیری دارند و چنانچه شناخته از ارزش‌های نهفته در بافت در آن‌ها به وجود آید و اعتماد و اطمینان آن‌ها در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های حفظ و احیای بافت از سوی دستگاه‌های مربوط جلب شود، حضور مؤثر آن‌ها در جهت تحقق طرح‌ها و برنامه‌ها تضمین خواهد شد. این موضوع باعث مسئولیت‌پذیری آن‌ها در این عرصه می‌شود و پایداری طرح‌ها و برنامه‌های حفظ و احیا را فراهم می‌سازد (طاهرخانی و متوسلی، ۱۳۸۵: ۹۶).

منابع مدیریت، بستر ساز حفظ و احیای بافت‌های تاریخی

منابع مدیریت حفظ و احیای بافت‌های تاریخی ارزشمند شامل منابع اداری و انسانی، منابع مالی، قوانین و مقررات، اطلاعات و منابع خودجوش (همیاری) و طرح‌هاست. ایجاد ساختاری اداری و بنیادین و اساسی که بیشترین کارایی و اثربخشی را داشته باشد، بسیار ضروری است. استفاده از کادر تخصصی و فنی و افزایش و ارتقای مهارت‌های علمی و فنی کارکنان از طریق آموزش می‌تواند به ساختار اداری و انسانی قوت بخشد. منابع مالی بی‌تردید نقش تأثیرگذاری در حفظ و احیای بافت‌های تاریخی دارد. به خصوص در کشورهای در حال توسعه اهمیت مضاعفی می‌یابد. همچنین تعیین و تصویب قوانین صریح و شفاف از جمله منابع ساختاری است که می‌تواند استمراری برای آهنگ مطلوب و مناسب مدیریت حفظ و احیا باشد (طاهرخانی و متوسلی، ۱۳۸۵: ۹۶).

معمولاً آنچه که در تدوین و تبیین طرح‌های حفظ و احیا بافت‌های تاریخی بسیار مهم است این است که چگونه می‌توان این طرح‌ها را در کنار طرح‌های بازسازی قرار داد. رویکرد غالب در بازسازی، منزوی نمودن بافت‌های تاریخی یا محو و نابودی بافت‌ها و محورهای قدیمی و تاریخی تلقی می‌شود. سیاستمداران و طراحان توسعه شهری ترجیح می‌دهند تا منطقه‌ای را پاک‌سازی کنند که بتوانند همه چیز را از نوع شروع کنند و با کنار گذاشتن تمامی مشکلات، پیچیدگی‌ها و مسائل ناشناخته که از حفظ شهرها و بناها و آثار قدیمی ناشی می‌شود، صورت مسئله را پاک کنند (طاهرخانی و متوسلی، ۱۳۸۵: ۹۶).

جریان زندگی ضامن مدیریت مطلوب حفظ و احیا بافت‌های تاریخی

شاغلین و ساکنین در محله‌ها و بافت‌های تاریخی نقش ویژه‌ای در مدیریت حفظ و احیا دارا هستند. بافت‌های تاریخی شهری را نمی‌توان بدون توجه به ساکنین و شاغلین آن اداره نمود. اینکه یک بافت دارای ارزش است از حیث ماهیتی است که در چارچوب فرهنگی آن جامعه دارد. از این حیث باید به مردم و ساکنین کمک نمود تا درک فرهنگی جدید و عمیقی از گذشته‌شان به دست آورند. تعمیق و گسترش این درک مجدد از دستاوردهای فرهنگی، موجب افزایش مشارکت شهروندان در حفظ میراث فرهنگی می‌گردد. از این‌رو باید فلسفه حفظ میراث فرهنگی را به مردم آموزش داد و کمک‌هایی را که در این زمینه مردم می‌توانند ارائه دهند، مشخص کرد لذا موضوع حفظ و احیاء آثار و بافت‌های تاریخی در شهرها باید به‌گونه‌ای مطرح شود که خود به‌عنوان یک ارزش اجتماعی در نزد همگان و عموم پذیرفته شود (رضایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۵).

مدیریت بافت‌های تاریخی، تقویت و کمک به فرایند توسعه پایداری شهری

مدیریت حفظ و احیاء بافت‌های تاریخی با هدف‌های توسعه پایدار هماهنگی کامل دارد. به‌عبارت دیگر اقدامات و برنامه‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های تاریخی به دنبال تحقق توسعه پایدار شهری است چرا که شهر پایدار دارای دو خصلت مهم است:

۱- شهر پایدار به حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست و تداوم و پایداری منابع برای نسل حاضر و نسل‌های آینده می‌پردازد.

۲- شهر پایدار به حفاظت از ارزش‌های تاریخی-فرهنگی بومی شهر از طریق اقدامات بهسازی و نوسازی، ضمن حفظ هویت به تکامل بخشی و پویایی شهر و توسعه حیات مدنی شهر و شهرنشینی توجه دارد. (شماعی و پورااحمد، ۱۳۸۴:۱۸۲ و ۲۸۲)

باتوجه به ویژگی‌های بافت‌های تاریخی از جمله وجود فضاها و عناصر دارای ارزش در کنار و تقابل با فضاها و عناصر فاقد ارزش که باعث افت کیفیت بافت گردیده و افزایش فرسودگی و ناکارآمدی را بر بافت تحمیل کرده‌اند، وضعیت ناپایداری را در ابعاد مختلف در بافت‌های مذکور حاکم کرده‌اند. از این‌رو چنانچه مدیریت بافت تاریخی با استفاده بهینه از ارکان خود بتواند در جهت ساماندهی فضاها و عناصر داخل بافت اقدام کند ویژگی‌های دارای ارزش را برجسته نماید به فرایند توسعه پایدار شهری کمک می‌کند و اهداف توسعه پایدار را در آن محدودده محقق می‌سازد. منشورها و قطعنامه‌های جهانی در مورد مرمت شهری بعد مهمی از زندگی جوامع انسانی را شکل می‌دهند. عدم آگاهی‌هایی با بی‌توجهی به میثاق‌های جهانی می‌تواند صدمه‌های جبران‌ناپذیری را بر پیکره آثار تاریخی جوامع بشری وارد سازد و حتی بی‌هویتی آن‌ها را سبب شود. از این‌رو بهره‌مندی از مفاد آن‌ها در خصوص ابعاد مدیریتی مرمت شهری می‌تواند در تبیین چالش‌ها و راهبردهای مدیریت بافت تاریخی کشور مؤثر واقع شود (رضویان و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۰).

با بررسی مفاد منشورها و کنگره‌ها می‌توان پی برد که به‌طورکلی توجه به ابعاد و عناصر مختلف مدیریت مدنظر بوده و به‌مرورزمان و با تجارب به‌دست‌آمده، ابعاد مدیریتی بافت‌های تاریخی مورد تأکید و توجه بیشتری قرارگرفته است. ازجمله در کنگره آتن (۱۹۳۱ میلادی) به ابعاد مدیریت بافت‌های تاریخی توجهی نشده و حتی حوزه مداخله در نظر گرفته شده در واقع، تک بناهای بارزش بوده است، ولی به مرور و در کنگره‌های بعدی به ابعاد مدیریت بافت‌ها و مناطق تاریخی توجه بیشتری شده است. در این میان می‌توان به قطعنامه کنگره آمستردام (۱۹۷۰ میلادی) اشاره کرد که نکات مورد توجه در آن به شرح موارد ذیل است:

۱- ضرورت نقش آفرینی دولت مرکزی در بافت‌های تاریخی، به علت عدم توان اجرای طرح‌های حفظ و احیا به وسیله مالکان و مقامات محلی.

۲- تعریف سیاست‌های مالی و اعطای کمک و ارائه تسهیلات به وسیله دولت مرکزی و محلی.

۳- ایجاد و توسعه سازمان‌های متولی بافت‌های تاریخی.

۴- ایجاد تسهیلات برای شکل‌گیری انجمن‌های محلی و گروه‌های داوطلب.

۵- ایجاد نهادهای مشاوره برای شناخت دیدگاه‌های گروه‌های ذی‌نفع.

۶- ضرورت مداخله حکومت‌های محلی برای هماهنگی و کاهش هزینه‌های ناشی از اقدامات مرمت شهری.

۷- توانمند ساختن اقدامات قانون‌گذاری و اداری لازم به شکلی کارآمد و نافذ.

۸- گسترش آموزش در تمامی سطوح، خصوصاً تربیت و آموزش جوانان در زمینه نگهداشت محیط و مشارکت آنان در اقدامات حفظ و احیا.

۹- تأکید بر امر مشارکت به‌عنوان عامل اصلی و تعیین‌کننده در ارتقای کیفیت بافت‌های تاریخی.

۱۰- تهیه طرح‌ها و برنامه‌های حفظ و احیای فراگیر و انجام مطالعات و تهیه طرح قبل از شروع اقدامات اجرایی.

بررسی مفاد منشورها و قطعنامه‌ها نشان از آن دارد که در هیچ‌یک از آن‌ها جنبه‌های مدیریت بافت به جامعیت کنگره آمستردام مورد توجه قرار نگرفته است (رضویان و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۰).

نتیجه‌گیری

گام‌های اولیه فعالیت‌های مربوط به احیا بافت قدیم شهر را باید در اروپای غربی به ویژه در کشورهای فرانسه و انگلیس به دلیل آغاز اولیه انقلاب صنعتی در دوره ۱۹۶۰-۱۸۳۰ جستجو کرد. زیرا انقلاب صنعتی باعث اختراع هزاران ماشین بهره‌گیری از نیروی بی‌جان مادی و استقرار هزاران کارخانه در محدوده شهرها شد. همچنین سبب جابه‌جایی مراکز تولید از نواحی روستایی به نواحی شهری، پیشرفت‌های پزشکی، رشد سریع طبیعی جمعیت مبارزه با بیماری‌های واگیر، مهاجرت روستا - شهری و در نتیجه تراکم و انبوهی جمعیت در شهرها به ویژه بخش قدیمی شهرها گردیده که مبتنی بر تکنولوژی حمل و نقل ماقبل صنعتی چرخ، نیروی یدی و حیوانات بوده است. در نتیجه مشکلات فراوانی برای سکونت در شهرها از لحاظ زیست محیطی به وجود آمد. ساماندهی شهرها به شکل اصلی طرح باغ شهرهای هوارد (۱۸۵۰ میلادی) و بافت‌های قدیمی به شکل ویژه از دو جهت، یکی احترام به حفظ میراث گذشته و دیگری رفع تنگناهای ناشی از مشکلات فرسودگی و دسترسی سواره مورد توجه قرار گرفت. فرانسوی‌ها در سال ۱۸۳۷ میلادی تشکیلاتی را به نام -کمپته ویژه هندها و بناهای تاریخی- بنیان کردند که کارش فهرست برداری و حفظ عناصر و اماکنی بود که در خطر ویرانی قرار داشت. پنجاه سال بعد در انگلستان یعنی در سال ۱۸۷۷ ویلیام موریس^۱ انجمنی را برای حفظ ساختمان‌های قدیمی پایه‌گذاری کرد که این انجمن هنوز پابرجاست که پیشرو بسیاری از سازمان‌های دیگر در زمان حاضر به شمار می‌رود. پیشینه مجموعه قوانین مربوط به حفظ و احیا آثار باارزش به قرن نوزدهم باز می‌گردد که تاکنون همچنان ادامه و تکامل یافته است. این روند همزمان با توسعه شهری بهسازی یا اصلاح‌گرایانه بیشتر مبتنی بر دیدگاه و مبانی تئوری مربوط به احیا بافت قدیم شکل گرفت. در بحث پیشینه مربوط به مطالعات بافت تاریخی ایران نیز برخی مطالعات پیشین قابل مرور و بررسی هستند. در این خصوص از جمله می‌توان به مطالعه بافت‌های تاریخی شهر یزد، سمنان، بوشهر، کاشان (طرح بهسازی و توسعه محدوده فین) اشاره کرد. مراکز تاریخی شهرها میراث ارزشمند معماری و کالبدی بجای مانده از گذشتگان ماست. این بخش از شهر تجلی‌گاه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردمانی است که در دوره‌های تاریخی در این بخش از شهر روزگار سپری کرده و هویت فرهنگی آن را به ثبت رسانده‌اند. بنابراین حفظ، احیا و باز زنده سازی و انطباق آن‌ها با سیستم شهری از جمله ضرورت‌هایی است که می‌تواند حیات ناحیه تاریخی را همگام با شهر پیش‌بردد (کلانتری، ۱۸۴۳: ۷۷) یکی از عواملی که امروزه نقش نواحی تاریخی را در شهرها پررنگ می‌کند، تمایل مردم به بازدید از آنان و تجدید خاطره‌ها است. امروزه گردشگری نقش قابل توجهی در توسعه و احیای بافت‌های تاریخی در شهرها دارد. عمده‌ترین فعالیت اقتصادی که حول این صنعت انجام می‌گیرد؛ فعالیت‌های ساختمانی، عمرانی هتل، رستوران، خیابان‌های لوکس، فرودگاه، ترمینال و... است (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۳). این امر سبب می‌رود تا علاوه بر سیاست‌گذاری بخش خصوصی و دولتی جهت احیای

^۱. William Morris

بافت‌های تاریخی با ارزش در شهرها، سیل عظیمی از پول و سرمایه از سوی گردشگران به این سو سرازیر شود. در شهرهایی با پیشینه تاریخی طولانی که دارای توالی بافت کالبدی می‌باشند، معمولاً مرکز شهر بر هسته قدیمی آن منطبق است و مرکز ثقل عملکردی و نه الزاماً جغرافیایی نظام شهر را تشکیل می‌دهند (ادهم، ۱۳۸۵: ۱۴). بافت شهری گستره‌ای هم پیوند است که با ریخت‌شناسی‌های متفاوت طی دوران حیات شهری در داخل محدوده شهر و یا حاشیه آن در تداوم و پیوند با شهر شکل‌گرفته باشد. این گستره می‌تواند از بناها، مجموعه‌ها، راه‌ها، فضاها، تأسیسات و تجهیزات شهری و یا ترکیبی از آن‌ها تشکیل شده باشد (شفایی، ۱۳۸۵). نحوه استقرار واحدها و عناصر معماری - شهری و شبکه ارتباطات در کنار یکدیگر موجب تکوین ترکیبی متشکل از فضاهای خالی و پر موسوم به بافت می‌شود.

از انواع بافت‌های موجود در شهرهای ایران بافت‌های قدیمی و فرسوده را می‌توان نام برد. بافت‌های تاریخی متعلق به سیستم شهری هستند. سیستم بزرگی که مردم در آن زندگی می‌کنند و متشکل از اجزا، آدم‌ها، ساختمان‌ها، ماشین‌ها و درکل مجموعه‌ای است که با هم در ارتباط هستند و از آن به عنوان بافت شهری یاد می‌شود؛ اما بافت تاریخی محدودی از این سیستم شهری موجود است که قبلاً خودش یک شهر تاریخی بوده و در دوره‌های مختلف تاریخی حضور داشته، در آن زندگی در جریان بوده و سیستمی با مشخصات کاملی از نظر ساخت و ساز، عملکرد، هویت، جامعه انسانی و عوامل طبیعی در آن در جریان بوده است و هنوز شواهدی از این شهر تاریخی در شهر فعلی بجا مانده که ما اصطلاحاً به آن بافت تاریخی می‌گوئیم (مجبایی، ۱۳۹۰) ولی به طور کلی بیشتر بافت‌های تاریخی از این جهت اساساً تاریخی شده‌اند، حداکثر یک یا دو نسل از عمر آن گذشته باشد؛ و در طی دوره‌های مختلف تاریخی به جای اینکه فرسوده شوند؛ به نوعی تکامل پیدا کرده‌اند و به عنوان دارایی‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، معماری و فضایی شهری تلقی می‌شوند لذا اساساً بافت‌های تاریخی را نوسازی نمی‌کنند بلکه آن را مرمت می‌کنند، بنابراین با مرمت و احیاء آن ترتیبی اتخاذ می‌گردد که بافت تاریخی روند تکاملی خود را ادامه دهد. از سوی دیگر بافت‌های قدیمی و تاریخی به عنوان هسته اولیه شهرهای کشور و به عنوان شبکه به هم پیچیده‌ای روابط کالبدی و درون‌زا است که به یادگار از نسل‌های پیشین با وجود دگرگونی‌های زیاد در طی دهه‌های اخیر نتوانسته است با نیازهای جامعه و احتیاجات روز سازگار گردد. ولی به دلیل جایگاه خود در مرکزیت شهر، از بهترین محدوده‌ها برای تمرکز خدمات تجاری، اداری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به شمار می‌روند. که اهمیت این بافت‌ها در کالبد شهرها به عنوان قلب تپنده شمرده شده و بار فرهنگی این بافت‌ها، وجود عناصر و المان‌ها با ارزش تاریخی و میراث فرهنگی، جاذبه‌های توریستی، اهمیت و لزوم خدمات‌رسانی به این مناطق به ویژه در زمان بحران، اهمیت ساماندهی و احیاء این نوع از بافت‌های شهری را دو چندان می‌کند. لذا رسیدن به سلسله نیازهای مناسب و طبقه‌بندی شده و امکانات، محدودیت‌ها و پتانسیل‌ها، قبل از هر اقدامی ضروری به نظر می‌رسد، چرا که شاید با بررسی آن‌ها و بدون انجام عملیات خاص و تنها برنامه‌ریزی و اتخاذ تصمیمات کارآمد در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و.... بتوان مشکلات را مهار کرده و بر آن‌ها فائق آمد (حنایچی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

در تحولات جدید شهرنشینی در جهان و ظهور مشکلات ناشی از آن بخش‌های قدیمی شهرها بیشتر از سایر نقاط شهری در معرض عوارض نامطلوب توسعه شهری قرار گرفته‌اند. بر پایه چنین استدلال‌های دیدگاه‌های نظری در طی قرون و دوره‌های اخیر در میان اندیشمندان مطرح و مورد بسط و تحلیل قرار گرفت تنوع تجارب جهانی در این زمینه نشان می‌دهد. کشورهای مختلف با فرهنگ‌ها، زبان‌ها و اعتقادات متفاوت، تجارب بسیار ارزنده‌ای را در طول تاریخ از خود بر جای گذاشته‌اند که نشان دهنده هویت هریک از بافت‌های تاریخی در این شهرهای جهان می‌باشد. در هر حال در مجموع اساس نظریه‌پردازی (جهانی) در عرصه‌های بافت تاریخی در طی زمان دچار تحول و تکامل شده است که در راستای آن دیدگاه‌های مختلف مطرح و مورد توجه اندیشمندان و مدیران شهری قرار گرفته است که فوق در اینجا به اهم آن می‌پردازیم. در این راستا برخی متفکران بر این باورند این نوع بافت‌های تاریخی را با بهینه‌سازی و تزریق تسهیلات و تجهیزات شهری، می‌توان بیش از پیش قابل سکونت و بهره‌برداری کرد و به این طریق ضمن جلوگیری از شتاب اضمحلال آن، به ارکان زیست محیطی آن فرصت داد که از درون به بازسازی پردازد. در این نظریه طراحان به روان‌بخشی محیط و ابعاد نوسازی در مقیاس انسانی توجه بیشتری نشان می‌دهند و معتقد هستند که اگر انگیزه‌های لازم برای حفظ بافت و تداوم زندگی در بافت تاریخی پدید آید، ساکنین فعلی بهترین سرمایه‌گذاران و حافظان مراکز شهری خواهند بود. نگرش ارگانستی (نگرش عقلانی) که در حقیقت، بر مفاهیم جدیدی چون کلیت، نظام سلسله‌مراتب و پویایی پدیده‌ها تأکید فراوان دارد. در این نگرش احیای پایدار بافت‌های تاریخی از طریق تعیین نقش آن‌ها در سازمان فضایی شهر، جایگاه معنادار و قابل دفاعی پیدا می‌کند. این رویکرد در اوایل قرن بیستم به وجود آمد رویکرد سیستمی یا ارگانستی است. شیوه تفکر ارگانستی بر مفاهیم جدیدی چون کلیت، نظام، سلسله‌مراتب و پویایی پدیده‌های زیستی تأکید فراوان دارد. از این نظرگاه، یک بافت تاریخی ارگانسیم کلی است که بسیاری از صفات آن نه از جمع خواص اجزا بلکه از تمامیت و کلیت آن ناشی می‌شود. موجود زنده، یک سیستم متعالی است و می‌تواند نظام خویش را علی‌رغم عوامل آنتروپی افزا محفوظ دارد و با تبادلات ماده و انرژی و اطلاعات با محیط خارج، از سوق یافتن به بی‌نظمی و انهدام جلوگیری کند. هدف اصلی نگرش سیستمی دستیابی به تبیین جامعی از جهان و پدیده‌های آن است که از مهم‌ترین بخش‌های این سیستم نظام مدیریت شهری حاکم بر این بافت‌ها است.

مدیریت شهری را می‌توان کوششی هدفمند دانست که در پی ساماندهی محیط شهری است یکی از اهم وظایف مدیریت شهری کنترل و هدایت بافت‌های تاریخی می‌باشد. امروزه مدیریت شهری به منظور حیات بخشیدن مراکز فرسوده به دنبال اجرای آرمانه‌ای طرح‌ها و برنامه‌های توسعه و عمران بافت‌های تاریخی است. در چارچوب چنین شرایطی گونه‌گونی و پیچیدگی بافت‌های تاریخی سبب شده تا دستیابی به بافت‌شناسی و مداخله در آن‌ها، به عنوان یک مقوله مهم شهری همواره در بین متقدمین و موخرین در راستای مدیریت شهری مطرح باشد از این رو نظام مدیریت شهری، زیرساخت و بستر اصلی بهسازی و نوسازی بافت‌های تاریخی شهری به شمار می‌رود. بدین لحاظ پیرامون بافت‌های تاریخی شهرها مباحث زیادی درباره نگرش‌ها و دیدگاه‌های آن در ادبیات مدیریت شهری وجود دارد.

بهسازی و نوسازی شهری بافت‌های تاریخی، کاری تدریجی و سلولی و در حد واحدهای همسایگی است که باید در سطح محله، مدیریت انجام گردد. همان‌طور که دامنه ساختار اجرایی امور آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و مذهبی که با اتحاد خانواده‌ها سروکار دارد تحقق این موضوع نیازمند مشارکت و تولید انرژی «گروهی» است که مستلزم فراهم شدن عوامل مختلف این مشارکت می‌باشد، این در حالی است که تغییرات سریع و عظیم در دهه اخیر در فن‌آوری، نحوه مدیریت سازمان‌ها (در اینجا مدیریت بافت‌های تاریخی شهر به مثابه یک سازمان) را دگرگون کرده است، با این حال اگر چه طرح‌های مختلف بهسازی و نوسازی در فضاهای مختلف تاریخی انجام شده است، حضور مردم و افزوده شدن عامل اجتماعی از عوامل مهم این مسئله می‌باشد. توجه به ویژگی‌های بومی ساکنان، تمایلات اجتماعی، شیوه سکونت، بنیه اقتصادی و مطالبات ایشان به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل مبتلا به در طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های تاریخی بوده است که در بررسی نتایج نشان داد.

در نهایت باید اذعان نمود که تفاوت اصلی نوع مدیریت در رویکرد سنتی با رویکرد جدید (مشارکتی) در این نکته نهفته است که نوسازی و بهسازی بافت‌های تاریخی (حفاظت) بدون حضور مردم معنا نمی‌یابد و به همین دلیل جذب و ایجاد زمینه‌های لازم برای حضور مردم نیازمند ابزارها و تدبیر مدیریتی است که باید در اولویت‌های سازمان نوسازی، شهرداری و مدیریت شهری قرار گیرد. تمهیداتی که بتواند حضور مردم را از ابتدا تا انتهای طرح جلب نماید.

از سوی دیگر تجدید حیات بافت‌های تاریخی در چارچوب نظام‌های اجرایی شهری در جهان فراگیر شده است و به تدریج پایداری در کلیه برنامه‌ریزی‌ها به اصل اجتناب‌ناپذیری در توسعه بدل گردید. بدین گونه مفهوم توسعه پایدار، با شهرهای پایدار ارتباط مستقیمی پیدا کرده است و امروزه اعتقاد بر این است که دستیابی به اهداف توسعه پایدار در محیط‌های شهری امکان‌پذیرتر است و رفته رفته نوسازی مناطق تاریخی با این نگاه رویکرد تجدید حیات مورد توجه صاحب نظران حوزه شهرسازی دنیا قرار گرفت و در این رویکرد فرآیند محور (مدیریت) که در آن با چشم‌انداز و فعالیت‌هایی جامع، فراگیر و یکپارچه به رفع مشکلات شهری می‌پردازد مداخله مشارکتی در تجدید حیات محله نقش اساسی دارد. از سوی دیگر تحقق انسجام و تشریک‌مساعی در مدیریت بافت‌های تاریخی در سایه مشارکت محلی قابل مشاهده است، زیرا که مشارکت محلی شامل کلیه فعالیت‌هایی که افراد، گروه‌ها، تشکلهای محلی (معتمدین محل، جوانان، زنان، اصناف، کسبه و...) را درگیر فرآیند تصمیم‌سازی کرده و در طی آن کیفیت زندگی و ارتقا هویت محلی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، به عنوان مشارکت محلی شناخته می‌شود. زیرا در فرآیند تجدید حیات در یک محله نمی‌تواند جدا از تشریک‌مساعی برنده بین مردم محله (که از قابلیت‌های محلی و فردی خودآگاه هستند و به مشکلات و مسائل محله نیز واقف می‌باشند)، با مسئولین، بخش خصوصی و سازمان‌های داوطلب صورت پذیرد. این رویکرد اکنون در اکثر نقاط جهان به منظور توسعه محلی با تشریک‌مساعی بین سازمان‌های محلی و مسئولین یا به عبارتی دست اندرکاران و ذی‌نفعان با موفقیت و پایداری انجام می‌گیرد. مشارکت محلی در واقع جلب مشارکت مؤثر افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، اصناف، کسبه و... در پشتیبانی از فرآیند تصمیم‌سازی است که در این فرآیند با شناخت نیازها، الویت‌ها

و مشکلات موجود و با استفاده از نظرات، دانش، توان و مهارت‌های مردم، ذی نفعان و دست‌اندرکاران کلیدی، تجدید حیات محله، بهبود و ارتقا کیفیت کار و زندگی بتواند به طور پایداری شکل گیرد.

منابع

- بهروزی، علی‌نقی (۱۳۴۳)، شیرازه شیراز، فصلنامه ارمغان، دوره سی و سوم، شماره ۹
- پورجعفر، محمدرضا و سکینه معروفی (۱۳۸۷)، بعد اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد پنهان در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای طرح‌های ساماندهی و احیای بافت‌های فرسوده، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۹
- جهان‌شاهی، محمدحسین (۱۳۸۲)، شهر و سکونت: از بافت‌های قدیمی و کهنه تا بافت‌های نو حاشیه و حومه شهر: تحلیل بافت‌های فرسوده و مشکل‌ساز شهری و راهبرهای آن، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۶
- جهان‌شاهی، محمدحسین (۱۳۸۲)، شهر و سکونت: تحلیل بافت‌های فرسوده و مشکل‌ساز شهری و راهبردهای آن، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۵
- حاتمی بیگلر، خدا کرم و رامین مستمند و کرامت الله زارع (۱۳۹۰)، پهنه‌بندی اقلیمی بهاره استان فارس، فصلنامه رشد آموزش جغرافیا، شماره ۹۵
- حسین زاده دلیر، کریم و حسن هوشیار (۱۳۸۴)، مدرنیسم و تأثیر آن بر معماری و شهرسازی ایران، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره ۱۹.
- حسین زاده دلیر، کریم و محمد اکبرپور سراسکانرود و محمدحسین حسینی (۱۳۹۱)، مدیریت شهری در شهرهای میانی ایران، فصلنامه فضای جغرافیایی، شماره ۳۷
- حسینی، سید هادی و معصومه حسینی (۱۳۹۴)، تحلیل عوامل مؤثر بر ایجاد پراکنده رویی در مناطق شهری ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره نوزدهم - شماره ۴
- حسینی، علی و یوسف بهرامی (۱۳۹۲)، تأثیر ساختار فضایی شهر بر رفتار سفر شهروندان مطالعه موردی؛ شهر رشت، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۲۸
- خیراندیش، عبدالرسول و علی منصوری (۱۳۹۱)، منازعه‌های اجتماعی درون‌شهری شیراز در قرن هشتم و نقش عوامل بیرونی در آن، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، شماره ۱۶
- رضایی، محمدرضا و مصطفی حسینی و هادی حکیمی (۱۳۹۱)، برنامه‌ریزی راه بردی مدیریت بحران در بافت تاریخی شهر یزد با استفاده از مدل SWOT، فصلنامه مدیریت بحران، شماره ۱
- رضویان، محمدتقی و حامد قادرمرزی و مهدی علیان و رامین چراغی (۱۳۹۴)، راهبرد پژوهی مدیریت شهری در راستای توسعه پایدار در بافت‌های تاریخی نمونه موردی: بافت تاریخی شهر یزد، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای ۱ (۱)، https://www.civilica.com/Paper-JR_URDP-JR_URDP-1-1_002.html
- زاهدی شمس‌السادات، نجفی غلامعلی (۱۳۸۵)، بسط مفهومی توسعه پایدار. پژوهش‌های مدیریت در ایران. ۱۰ (۴): ۴۳-۷۶
- زیاری، کرامت‌ا... (۱۳۸۲)، برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، چاپ اول، دانشگاه یزد.
- زیاری، کرامت‌اله و حسن پارسی‌پور و نسرین علی‌آبادی (۱۳۹۱)، بافت میانی شهرها ظرفیتی برای حرکت به سمت الگوی شهر فشرده - مورد: شهر بجنورد، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۹.
- سرایبی، محمدحسین و مسلم شمشیری (۱۳۹۲)، بررسی وضعیت گردشگری در شهر شیراز در راستای توسعه پایدار با استفاده از تکنیک SWOT، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، شماره ۴۹
- سرخیلی، الناز (۱۳۹۵)، بررسی ابر پروژه‌های حمل‌ونقل شهری در شهر تهران؛ تطابق یا تضاد با توسعه پایدار، فصلنامه مطالعات محیطی هفت حصار، شماره ۱۷

سفلی، فرزانه (۱۳۸۲)، پایداری عناصر اقلیمی در معماری پایدار، مجموعه مقالات همایش بهینه‌سازی مصرف سوخت در ساختمان جلد ۱.

سلطانی، علی (۱۳۹۳)، تحلیلی بر جایگاه حمل‌ونقل پایدار در برنامه‌های عمرانی شهرداری‌ها؛ مطالعه موردی شهرداری شیراز، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۱۶

شماعی، علی و فرزانه ساسان پور و محمد سلیمانی و محسن احد نژاد روشنی و تقی حیدری (۱۳۹۵)، تحلیل زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده‌ی شهری (مطالعه‌ی موردی: بافت فرسوده‌ی شهر زنجان)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره چهل و هشتم - شماره ۴

شهاب‌زاده، مرجان (۱۳۹۵)، تجدید حیات در بافت‌های تاریخی از طریق راهبرد اصالت بخشی (نمونه موردی بافت تاریخی شیراز). معماری اقلیم گرم و خشک، ۴(۴)، ۶۵-۷۹.

شبعه، اسماعیل (۱۳۸۲)، لزوم تحول مدیریت شهری در ایران. فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۱(۱)، ۳۷-۶۲. doi: 10.22111/gdij.2003.3640

صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، شهر پایدار چیست؟ فصلنامه تحلیلی پژوهشی، آموزشی مدیریت شهری، سال اول، سازمان شهرداری‌های کشور، وزارت کشور، تهران.

طاہر خانی، حبیب‌الله و محمد مهدی متوسلی (۱۳۸۵)، مدیریت شهری: مدیریت بافت تاریخی شهرهای ایران (چالش‌ها و راهبردها)، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸

عزیزی، محمد مهدی و سینا شهاب (۱۳۹۲)، کاربرد انتقال حقوق توسعه (انتقال حق توسعه) به عنوان ساز و کار تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری (نمونه موردی: شهر کاشان)، فصلنامه مطالعات شهری، شماره چهارم.

غلامی، یونس و سلمان حیاتی و محمد قنبری (۱۳۹۴)، شناخت الگوی رشد کالبدی-فضایی کلان‌شهرهای ایران (مطالعه‌ی موردی: کلان‌شهرهای مشهد، شیراز، اصفهان، تبریز)، فصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، شماره ۳

قنبری، محمد و محمد اجزاء شکوهی و محمد رحیم رهنما و امید علی خوارزمی (۱۳۹۵)، تحلیلی بر زیست‌پذیری شهری با تأکید بر شاخص امنیت و پایداری (مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد)، فصلنامه جغرافیای سیاسی، شماره ۵.

کاظمی محمدی، ابوالقاسم (۱۳۷۸)، بررسی توسعه پایدار در طرح شهر قم، مقاله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

کاظمی، مهدی (۱۳۸۳)، مدیریت گردشگری، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کاظمیان، غلامرضا و مجید حقیقی (۱۳۹۰)، مدیریت شهری در نظام آموزش عالی ایران: ارزیابی فلسفه وجودی و الزامات میان‌رشته‌ای، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۱۰ و ۱۱

کشکولی، محمدرضا و صادق صیدیگی (۱۳۹۵)، مدیریت یکپارچه شهری و شهر سبز پایدار، فصلنامه پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، سال اول - شماره ۳

کهن (۱۳۷۶)، شاخص‌شناسی در توسعه پایدار، چاپ اول، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۷۶.

لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۳)، مدیریت شهری در ایران (محدودیت‌ها، چالش‌ها و راه‌کارها)، فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره ۲۷

مایر، جرالد و دیگران (۱۳۷۹)، پیشگامان توسعه، ترجمه سید علی هدایتی، تهران، انتشارات سمت.

مجتهدی، احمد (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جغرافیای سکونت در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۲

مولدان، بدریچ و سوزان بیلهارز (۱۳۸۱)، شاخص‌های توسعه پایدار، ترجمه نشاط حداد تهرانی و دیگران، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست.

مهدی زاده، جواد (۱۳۸۱)، شهر و تاریخ: نظری به روند تاریخی توسعه کالبدی - فضایی شهر تهران (بخش دوم - نوسازی و پیدایش ما در شهر تهران)، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۳

مهدی زاده، جواد (۱۳۸۴)، جایگاه میراث فرهنگی در توسعه پایدار شهری، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲

مهدیزاده، جواد (۱۳۸۴)، ضرورت اصلاح نظام مدیریت توسعه شهری در ایران، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۳ و ۱۴
مؤمنی، مهدی، قهاری، غلامرضا (۱۳۹۲)، تحلیلی بر وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان فارس، فصلنامه علمی - پژوهشی
برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۳ (شماره ۹)، ۵۳-۶۶.
نصیری، حسین (۱۳۷۹)، توسعه پایدار چشم‌انداز جهان سوم، انتشارات فرهنگ و اندیشه.

ResearchGate

link.springer.com

Encyclopedia Britannica

Encyclopedia Britannica

Encyclopedia Britannica

<https://www.amar.org.ir>

<https://www.amar.org.ir>

